

مولفه‌های جغرافیای سیاسی تاثیرگذار بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: دولت حسن روحانی)

محمد رسول درویشی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران

محمد رضا قانلی^۱

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

گارینه کشیشیان سیرکی

استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد توحید فام

دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۸

چکیده

حفظ و ارتقای اعتماد و سرمایه اجتماعی از اصلی‌ترین مولفه‌های پایداری و کارآمدی هر نظام سیاسی محسوب می‌شوند. مولفه‌های جغرافیای سیاسی مانند قومیت، تراکم و یا پراکندگی جمعیت، سطح توسعه اقتصادی، ویژگی‌هایی جغرافیایی محل سکونت، مرزنشینی، مذهب و... تاثیر زیادی بر سطح سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در رابطه شهروندان و نظام سیاسی دارند. هدف پژوهش حاضر تبیین مولفه‌های جغرافیای سیاسی تاثیرگذار بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دولت حسن روحانی است. سوال اصلی مقاله این است که چگونه مولفه‌های جغرافیای سیاسی سطح سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی را در جمهوری اسلامی ایران به ویژه دولت حسن روحانی تحت تاثیر قرار داده است؟ روش این مقاله توصیفی-پیمایشی است. به منظور گردآوری داده‌ها و اطلاعات میدانی از ابزارهای پرسشنامه و مصاحبه استفاده می‌شود. همچنین جهت تدوین مبانی نظری و ادبیات تحقیق از مطالعات و اطلاعات کتابخانه‌ای، اینترنت و سایر منابع فارسی و لاتین استفاده خواهد شد. جامعه آماری پژوهش کارکنان فرمانداری شهر تهران می‌باشند و حجم نمونه نیز ۳۰۰ نفر است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و PLS استفاده شد. نتایج مقاله نشان می‌دهد که مولفه‌های شفافیت، کارآمدی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و عدم خشونت، پاسخگویی، مبارزه با فساد و حق اظهار نظر بسته به ویژگی‌های جغرافیای سیاسی مناطق جغرافیایی ایران بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران تاثیر دارند که جغرافیای انتخابات ریاست جمهوری و آرای حسن روحانی نشان دهنده این ارتباط است.

واژگان کلیدی: جغرافیای سیاسی، سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی.

مقدمه

دولت به عنوان یکی از منابع سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در جامعه دارای نقش اساسی می‌باشد و در عین حال از وجود سرمایه اجتماعی در جامعه نهایتاً منتفع می‌شود. سرمایه اجتماعی مفهومی می‌باشد که به ویژه با آثار اندیشمندانی مانند بوردیو، کلمن و پاتنام در چند دهه گذشته افزایش پیدا کرد. در جوامعی که مردم مطمئن می‌باشند که اعتماد آن‌ها مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد، زیاده‌تر به مبادله و معامله می‌پردازند و این مبادلات خود به توسعهٔ هنجار متقابل عمومی ختم می‌شود. کنش‌های متقابل شخصی، اطلاعاتی را در مورد قابل اعتماد بودن دیگران فراهم می‌آورد که تقریباً بدون هزینه می‌باشد. روابط اجتماعی دائم، می‌تواند انگیزه‌هایی برای قابل اعتماد بودن ایجاد کند. پیامدهای سرمایه اجتماعی در حوزه همبستگی، هماهنگی، انسجام اجتماعی، همکاری و مشارکت که با سیاست ارتباط ملموس‌تری دارد، بیشتر قابل توجه می‌باشد. قبل از هر چیز باید بیان کرد که سرمایه اجتماعی کمک‌دهنده رفتار جمعی می‌باشد، یعنی هزینه‌ها را برای نقض‌کننده‌ها افزایش، معیارهای خوب دو طرفه را تقویت، جریان گردش اطلاعات، شامل اطلاعات مربوط به خوش‌نامی فعالان را تسریع، موفقیت‌های گذشته فعالیت جمعی را نمایان و همانند چارچوبی برای همکاری‌های بیشتر آینده عمل می‌کند. مهم‌ترین نقش و کارکرد سرمایه اجتماعی تسهیل همکاری افراد جامعه می‌باشد. در همه جوامع مشکلات عمل جمعی تلاش برای همکاری در جهت منافع متقابل سیاسی را با مانع روبرو می‌سازد، اما عنصر اعتماد در سرمایه اجتماعی همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. اعتماد عمومی یعنی انتظار مردم از دریافت مثبت به خواسته‌های آنان از طریق متولیان امور عمومی است. در بحث اعتماد عمومی پاسخگویی فرهیختگان سبب افزایش رضایت مندی شهروندان و به تبع آن ارتقای اعتماد آن‌ها می‌شود و با تحقق اعتماد عمومی، مشارکت عمومی مردم جامعه افزایش می‌یابد. در حقیقت مشارکت عمومی شهروندان تنها در سایه اعتماد عمومی آنها نسبت به دولت و سازمان‌های دولتی محقق می‌گردد. اعتماد بقای روابط اجتماعی پایدار و صلح‌آمیز را که بنیاد رفتار جمعی و همکاری مفید می‌باشد، ممکن می‌سازد. هرچند اعتماد متضمن مخاطره می‌باشد اما «تبدیل وضع طبیعی هابزی را که بسی نامطلوب و نامطبوع می‌باشد به وضعیتی مطلوب‌تر، کارآمدتر و صلح‌آمیزتر» ممکن می‌سازد. «زندگی اجتماعی بدون وجود اعتماد در بین شهروندان، غیر قابل تحمل و حتی ناممکن می‌باشد»؛ هرچند آن اعتمادی که در دهه‌های اخیر، بیشتر بر آن تأکید می‌گردد همان اعتماد اجتماعی می‌باشد که مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی تلقی می‌گردد، اما کارآمدی دولت‌ها و نهادهای حکومتی نیز تا اندازه زیادی منوط به اعتماد شهروندان به آن‌ها و در نتیجه همکاری بهتر با آنان می‌باشد. به نظر لومان هر جا اعتماد باشد، امکانات فزاینده‌ای برای تجربه و کنش وجود دارد این تجربه و کنش می‌تواند در قلمرو اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی باشد.

مهم‌ترین مؤلفه برای تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی را می‌توان حکمرانی خوب به شمار آورد؛ مثل برخی دیگر از مفاهیم، حکمرانی خوب را می‌توان بر اساس ویژگی‌های آن و یا بر اساس فرآیند تعریف کرد. به عبارت دیگر

در تعریف بر اساس ویژگی‌ها، وضعیت حکمرانی خوب تعریف می‌گردد. حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیت با ویژگی‌هایی همچون مشارکت‌جویی، شفافیت، پاسخگویی، اثربخشی، رعایت برابری، ارتقای حاکمیت قانون و تعیین اولویت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مبنای اجماع وسیع‌تر که در آن ندای ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین افراد در اتخاذ تصمیمات و تخصیص منابع شنیده گردد. دولت روحانی در شرایطی دشوار تصدی قدرت اجرایی کشور را در سال ۱ عهده‌دار گردید؛ شرایطی که در سطح منطقه و جهان، برآورده کردن خواسته‌های مردم را سخت‌تر ساخته بود. سرمایه‌عظیم اصلاح‌طلبان پشت سر دولت آقای روحانی قرار گرفت. حال این سؤال مطرح می‌گردد که مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در دولت روحانی چه می‌باشد؟

چارچوب مفهومی و نظری

سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی می‌باشد که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح شده است. سرمایه اجتماعی مفهومی جدید است که از سال‌های ۱۹۹۰ برای نخستین بار از سوی جامعه‌شناسان فرانسوی و آمریکایی (بورديو، کلمن، پاتنام)^۱ مطرح گردید. سرمایه اجتماعی مانند دیگر مفاهیم جامعه‌شناختی دارای ابعاد مختلفی می‌باشد. از آنجاکه هر یک از پژوهشگران و صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی بخشی از واقعیات را توصیف کرده‌اند به نظر می‌آید که هر یک تعریف متفاوتی از دیگری ارائه کرده باشد (Wafaei Yeganeh, 2016: 18). در حالی که برخی از متخصصین سرمایه اجتماعی را برحسب اعتماد و هنجارهای مشارکت اجتماعی تعریف می‌کنند برخی دیگر آن را برحسب ارزش‌های فرهنگی مانند دلسوزی، نوع‌دوستی، گذشت و بردباری توصیف می‌کنند وعده دیگر بر نهادها و کیفیت و کمیت زندگی مشارکتی تأکید می‌کنند (Yuan, 2006: 321). بورديو اولین بار در سال ۱۹۷۳ سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف کرده است:

سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای می‌باشد که از شبکه بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل یا به‌بیان‌دیگر با عضویت در یک گروه حاصل می‌گردد. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و به آنان اعتبار می‌دهد. بدین‌سان حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک یک فرد به اندازه شبکه پیوندهایی بستگی دارد که او می‌تواند به طرز مؤثر بسیج کند و نیز به حجم سرمایه (اقتصادی، فرهنگی) در تصرف کسانی که وی با آن مرتبط می‌باشد (Tajbakhsh, 2014: 84). شاید به جرئت می‌توان بیان کرد که رابرت پاتنام^۲ معروف‌ترین نویسنده و نظریه‌پرداز در زمینه سرمایه اجتماعی در جهان معاصر است. پاتنام بر اهمیت نهادی سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند و آن را به‌عنوان انجمن‌های افقی بین مردم بیان می‌دارد. به‌بیان‌دیگر از دیدگاه وی سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، شبکه و هنجارهای مرتبطی می‌باشد که بر بهره‌وری جامعه تأثیرگذار می‌باشد. فوکویاما^۳ سرمایه اجتماعی را به‌عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز می‌باشد در آن سهیم می‌باشند.

^۱ Bourdieu, Coleman, Patnam

^۲ Robert Patnam

^۳ Fukuyama

مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به‌خودی‌خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد چراکه این ارزش‌ها ممکن می‌باشد ارزش‌های منفی به حساب آیند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند اساساً شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهد و ارتباطات دوجانبه می‌باشد (Vafaei Yeganeh, 2016: 45).

بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی می‌باشد. تجارب این سازمان نشان داده که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد. سرمایه اجتماعی برخلاف سایر سرمایه‌ها به‌صورت فیزیکی وجود ندارد بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و افزایش آن می‌تواند موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداره جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان گردد (Vafaei Yeganeh, 2016: 46).

با توجه به آنچه تاکنون بیان شد می‌توان نتیجه گرفت معیار اصلی در شناخت سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی افراد و نحوه همزیستی آن‌ها در یک جامعه می‌باشد. بنابراین عامل مرتبط با حوزه جامعه‌شناسی می‌باشد و علل و عوامل تشکیل آن را باید در علل و عواملی جستجو کرد که در ساخت فرهنگ، آداب و سنن، معیارها، هنجارها و ارزش‌ها و حتی قوانین رسمی یک جامعه اثرگذار بوده و شکل کنونی آن را رقم زده و درجه‌ای از سرمایه اجتماعی را به ارمغان آورده‌اند (Akhtar Mohagheghi, 2012: 15). هرچند اقتصاددانان عامل اصلی ایجاد همکاری‌ها و همیاری‌های اجتماعی را در تئوری خود بانام تئوری بازی‌ها جستجو می‌کنند ولی شواهد تجربی به‌ندرت نشان می‌دهند که گردهمایی اعضای یک گروه برای رسیدن به یک هدف معین ابتدا به‌عنوان یک استراتژی در بازی آن‌گونه که اقتصاددانان معتقد می‌باشند آغاز شده باشد.

هنگامی که انجمن حمایت از محیط‌زیست شکل می‌گیرد به‌طورقطع به تنها چیزی که نمی‌اندیشند انتخاب یک استراتژی برای بازی در برابر یک رقیب می‌باشد بلکه آنچه مهم می‌باشد اعتقاد مشترکی می‌باشد که در بین اعضای این انجمن حاکم بوده و آنان را به سمت حفظ محیط‌زیست کشانده است (Salehi Amiri, 2009: 15). بنابراین ریشه تشکیل این انجمن به عواملی بازمی‌گردد که حفظ محیط زیست را برای این افراد به‌صورت یک ارزش مثبت درآورده است. به‌طورقطع نقطه آغاز این همیاری در اینجاست. ولی تداوم این همیاری گروه را در مواجهه با موانع موجود به انتخاب استراتژی‌های برد و باخت برخواهد انگیخت. بر مبنای نظریه جیمز کلمن^۱ عامل ساخت سرمایه اجتماعی از ۴ دسته خارج نیستند:

۱- عوامل نهادی ۲- عوامل خودجوش ۳- عوامل بیرونی ۴- عوامل طبیعی

هر یک از این عوامل خود به گروه‌های کوچک‌تری قابل تقسیم می‌باشند. در این دسته‌بندی تئوری بازی‌ها در گروه عوامل خودجوش جای می‌گیرد. یعنی به‌عنوان شاخه‌ای در یک گروه از گروه مشاهده می‌شود. لذا نظریه بازی‌ها هرچند می‌تواند یکی از عوامل تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی باشد ولی در میان سایر عوامل اجتماعی دارای اثر

¹ James Coleman

کم‌رنگ‌تری می‌باشد. در ادامه مطالب بیان شده، به طبقه‌بندی عوامل ساخت سرمایه اجتماعی از منظر کلمن که شامل عوامل نهادی، عوامل خودجوش، عوامل بیرونی و عوامل طبیعی است اشاره شده است.

۱- عوامل نهادی

نهاد به معنای قانون، رسم، عرف عادت و یا سازمانی می‌باشد که در زندگی سیاسی یا اجتماعی مردم واقع شده و نظام هدف‌داری را در جهت رفع نیازهای یک اجتماع سازمان‌یافته ایجاد می‌کند. مثال بارز از یک نهاد دولت می‌باشد که به‌واسطه وضع قوانین و ایجاد نظام هدف‌دار موجب تشکیل سرمایه اجتماعی می‌شود. در برخی از قوانین به‌عنوان یک عامل نهادی به‌صورت عقلایی وضع می‌گردند تا انسان‌ها را وادار به مشارکت نمایند یاد می‌شود. دولت‌های کمونیستی نظیر اتحادیه جماهیر شوروی سابق و چین دارای چنین خصوصیات بودند (Tajbakhsh, 1393: 15).

در نظام‌های دموکراسی نیز قوانین به‌گونه‌ای وضع می‌شوند که بر پایه آن نهادها و تشکلهای رسمیت می‌یابند که مسئول ترویج ارزش‌های غیررسمی هستند مانند احزاب سیاسی یا تشکلهای مردمی. فوکویاما معتقد می‌باشد هرگاه رفتاری در اثر قدرت‌طلبی و سلطه یک گروه بر گروهی دیگر در جامعه شکل بگیرد به‌عنوان یک عامل نهادی غیر عقلایی در تشکیل سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌رود (Forouhar, 2015: 11).

۲- عوامل خودجوش

هنجارهایی که به‌صورت خودجوش به‌جای قانون و دیگر نهادهای رسمی از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می‌آیند و ناشی از انتخاب‌های تعمدی نمی‌باشند، به‌عنوان عوامل خودجوش در ایجاد سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند که به دو دسته عوامل خودجوش عقلایی و عوامل خودجوش غیر عقلایی تقسیم می‌گردند. هنگامی که کنش‌های افراد یک اجتماع در تقابل با یکدیگر هرچند غیر عمد ولی بر اساس تعقل و تفکر صورت می‌پذیرد، هنجارهایی را به وجود می‌آورد که زمینه‌ساز تشکیل سرمایه اجتماعی می‌باشد. از این‌رو تئوری بازی اقتصاددانان جز این دسته عوامل جای دارد. ولی هنگامی که این کنش‌های متقابل غیرمنطقی و تصادفی است مانند همپاری و همکاری زنبورهای عسل در ساخت کندو که بدون هیچ تعقل و تفکر و به‌صورت غریزی صورت می‌گیرد با نام عوامل خودجوش غیر عقلایی دسته‌بندی می‌گردند (Koochkan, 20009: 129).

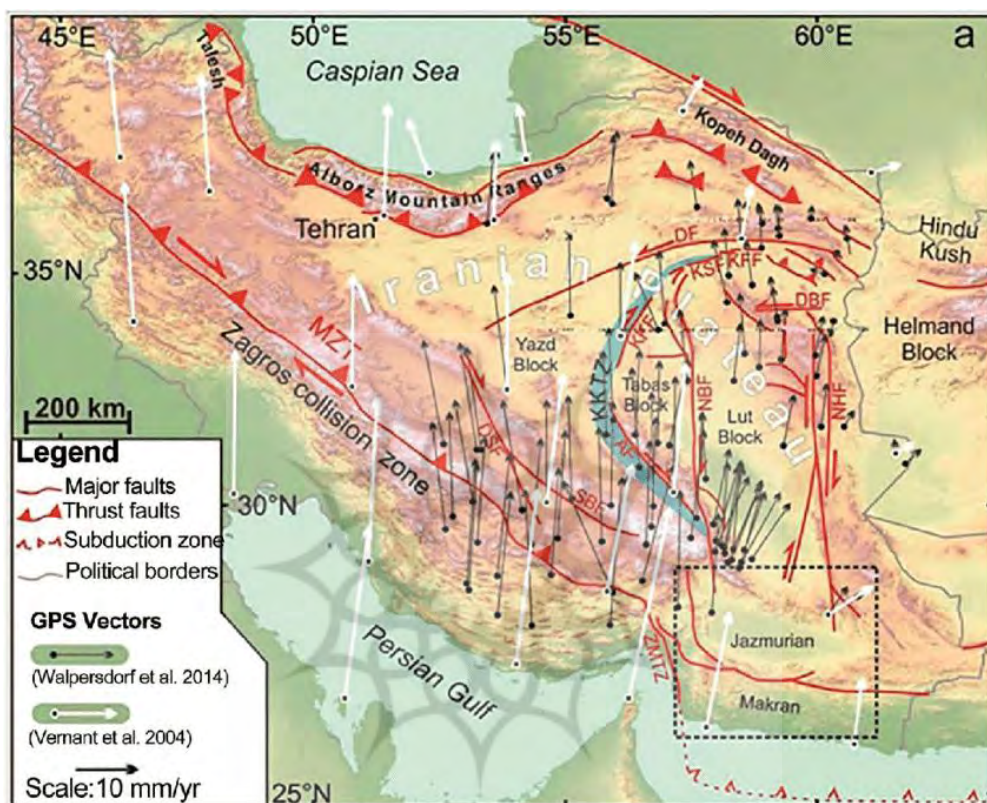
۳- عوامل بیرونی

منظور از این دسته عوامل، هنجارهایی می‌باشد که از جایی غیر از همان اجتماعی که در آن به‌کاررفته سرچشمه می‌گیرد. عواملی همچون دین و مذهب، ایدئولوژی و فرهنگ و یا تجربه مشترک تاریخی جز این گروه طبقه‌بندی به‌شمار می‌آیند.

کلمن چنین بیان می‌دارد: وبر به دین نه‌تنها به دلیل عامل ایجادکننده اخلاق در کار بلکه به دلیل عامل ایجادکننده شبکه‌های اعتماد در روابط تجاری و مبادلات اقتصادی توجه می‌کند. در دنیای مدرن امروز تمامی بخش غیردولتی که آن را جامعه مدنی می‌نامند، میل به سازمان یافتن پیرامون ایدئولوژی‌ها دارند. از طرف دیگر بخش اعظم هنجارها از فرهنگ‌ها ناشی می‌شود بدون آن‌که به توان ارتباطی بین آن‌ها و مذهب یافت (Tajbakhsh, 2014: 17).

۴- عوامل طبیعی

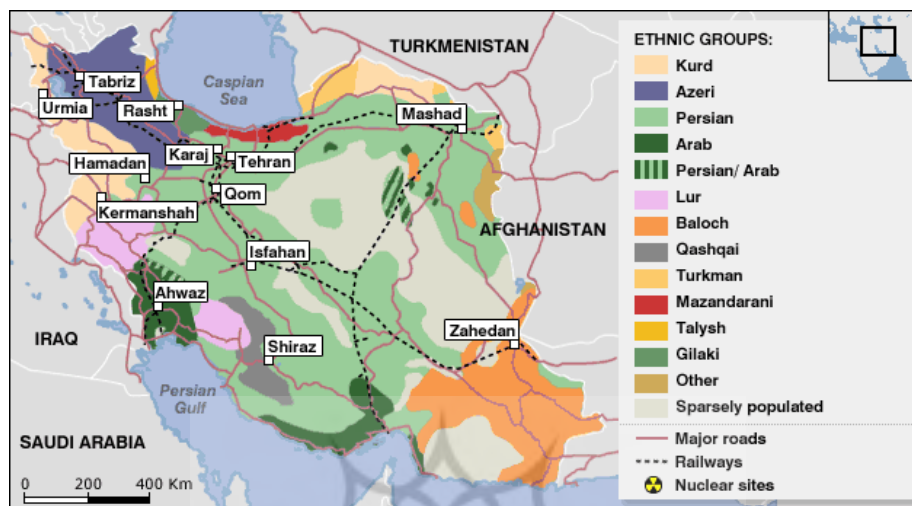
در این گروه دو دسته از عوامل به صورت روابط خویشاوندی و همبستگی‌های قومی و نژادی قرار می‌گیرند. اهمیت خویشاوندی در مقایسه با دیگر ساختارهای اجتماعی از یک جامعه به جامعه دیگر به میزان زیادی فرق می‌کند؛ اما در هیچ جامعه‌ای خویشاوندی به طور کامل محو نشده است.



نقشه ۱: نقشه جغرافیایی - سیاسی ایران
Source: <https://www.researchgate.net>

شواهد قابل ملاحظه‌ای از علوم طبیعی وجود دارد که می‌گوید اجتماعی بودن نه تنها در انسان بلکه در دیگر موجودات نیز امری ذاتی می‌باشد. از سوی دیگر در عین حال که اجتماعی بودن در انسان‌ها تا حدی ریشه در فرهنگ دارد ولی با گرایش‌های بنیانی به سمت اجتماعی بودن و با مسائل ژنتیکی نیز بسیار مرتبط می‌باشد (Moghimi et al., 2007: 32). قومیت و نژاد از مقولاتی می‌باشند که نوعاً هر دوی این‌ها از منابع مهم هویت می‌باشند. بنابراین بدون در نظر گرفتن مسائل زیست‌شناسی و طبیعی و حتی کنش‌های اجتماعی در شناخت قومیت و نژاد همبستگی‌های قومی و نژادی از عوامل طبیعی ساخت سرمایه اجتماعی به شمار می‌آیند. هر چند ممکن می‌باشد این دسته‌بندی نتواند تمام منابع ساخت سرمایه اجتماعی را در برگیرد اما دست‌کم تصویری از وسعت و پیچیدگی مسئله به دست می‌دهد. بسیاری از این منابع نه تنها کافی یکدیگر نمی‌باشند بلکه دارای هم پوشانی نیز می‌باشند مشکل هنجارهایی که از عوامل طبیعی منشأ یافته‌اند می‌توانند در عین حال به وسیله قانون، مذهب و یا فشارهای اجتماعی خودجوش تقویت شوند آنچه حائز اهمیت می‌باشد این است که طیف وسیعی از منابع ایجاد کننده سرمایه اجتماعی را بشناسیم و

امکانات و محدودیت‌های هر یک را تشخیص دهیم. بنابراین انتخاب منبع ایجاد کننده سرمایه اجتماعی دارای اهمیت می‌باشد. به طور قطع ابزار نهادی نمی‌تواند به طور کامل جایگزین عوامل خودجوش یا بیرونی گردد و این عوامل نیز نمی‌توانند جایگزین ابزارهای نهادی شوند (Koohkan, 2003: 23).



نقشه ۱: ترکیب قومی ایران

Source: <http://www.payvand.com>

اعتماد

به نظر بسیاری از صاحب‌نظران توافق جهان‌شمولی درباره تعریف اعتماد در دست نمی‌باشد. به‌عنوان مثال فرهنگ آکسفورد اعتماد را اتکا یا اطمینان به برخی ویژگی‌ها یا خصایص یک شخص یا سازمان، پذیرفتن یا اعتبار دادن به شخص یا سازمان بدون بررسی و دریافت شواهد و قرائن، باور یا اعتقاد یا اتکا به صداقت یک فرد یا سازمان داشتن انتظارات مطمئن نسبت به فرد یا سازمان و همچنین صداقت، درستی و وفاداری تعریف کرده است (Zahedi et al., 2011: 65). راجر^۱ (۱۹۹۵) اعتماد را تمایل یک نفر به آسیب‌پذیر نگه‌داشتن خود در برابر اقدامات طرف مقابل بر اساس این انتظار که طرف مقابل دست به اقداماتی می‌زند که برای اعتماد کننده اهمیت دارد، می‌داند. در تعریف دیگری روتر^۲ (۱۹۹۷) آن را صلاح‌دیدگی از جانب فرد یا گروهی که می‌توان به‌واسطه‌ی آن بر کلام، وعده، اظهار شفاهی یا کتبی فرد یا گروه دیگری تکیه کرد بیان می‌کند. همچنین به عقیده گوردون^۳ (۲۰۰۰) اعتماد یک انتظار مثبت می‌باشد، در رابطه با اینکه طرف مقابل در گفتار، کردار و رفتار خود به گونه‌های فرصت‌طلبانه رفتار نکند (Zahedi et al., 2011: 68). همچنین هاورسون^۴ (۲۰۰۳) نیز اعتماد را اتکا یا اطمینان به برخی رویدادها و فرآیندها یا اشخاص تعریف کرده است؛ بنابراین اعتماد را به‌طور کلی می‌توان اتکا بر اقدامات مشروط آتی طرفین تعریف کرد (Danaeifar, 2008: 21). معمولاً اعتماد را کاهش ریسک و عدم پیش‌بینی و ارتباط بین این دو می‌نامند. اعتماد یعنی باور به اینکه گفته‌های یک شخص قابل اتکا بوده و او در انجام تعهدات رابطه تجاری خود کوتاهی نخواهد کرد.

¹ Roger

² router

³ Gordon

⁴ Havorsen

به اعتقاد دایرکز^۱ مفهوم اعتماد ریشه در ادبیات دوره ارسطو دارد؛ لذا در مورد این که اعتماد چیست و چگونه می‌توان به اعتماد در محل کار دست پیدا کرد توافق اندکی وجود دارد. بیشتر تحقیقات در مورد اعتماد، آن را به‌عنوان یک موضوع و مفهوم مجزا تلقی کرده‌اند. پرسشنامه‌های مختلفی که میزان اعتماد را در سازمان‌ها و گروه‌ها ارزیابی کنند وجود دارند؛ اما این که چگونه به این نتایج و میزان اعتماد پی برده‌اند دلیل مطمئنی در دسترس نمی‌باشد. گیدنز ضمن برشمردن تعریف لومان از اعتماد متذکر گردیده است که هرکجا که اعتماد مطرح باشد فرد برای تصمیم‌گیری در پیش گرفتن یک مسیر کنش خاص، شقوق گوناگونی را آگاهانه در ذهن دارد اعتماد و مفاهیم ملازم با آن را در چندین عنصر مفهوم بندی می‌کند.

اعتماد را می‌توان به‌عنوان اطمینان به اعتمادپذیری یک شخص یا نظام با توجه به یک‌رشته پیامدها یا روی داده‌ای معین تعریف کرد: اعتماد اساساً به مخاطره بلکه به احتمال وابسته می‌باشد اعتماد همیشه بر اعتمادپذیری در برابر پیامدهای محتمل دلالت می‌کند چه این پیامدها به کنش‌های افراد ارتباط داشته یا به عملکرد نظام‌ها مربوط باشند در مورد عوامل انسانی اعتماد برای فرد عواقب روان‌شناختی دارد زیرا احتمال دارد که از این اعتماد لطمه اخلاقی ببیند.

اعتماد می‌تواند معطوف به نشانه‌های نمادین یا تخصصی باشد این اعتماد نیز مبتنی بر درستی اصولی می‌باشد که شخص از آن بی‌خبر می‌باشد اعتماد به کارکرد شایسته نظام‌ها مربوط است نه به عملکرد واقعی‌شان. اعتماد به غیبت در زمان و مکان ارتباط دارد، زیرا نیازی به اعتماد به کسی که فعالیت‌هایش در معرض دیدن نداریم پس اعتماد تمهیدی برای تطبیق با آزادی‌های دیگران می‌باشد اما شرط اصلی موردنیاز برای اعتماد نه فقدان قدرت، بلکه کمبود اطلاعات کامل می‌باشد.

به طور کلی روان‌شناسان اعتماد و فرایند اعتماد را به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی از توسعه فردی توصیف کرده‌اند. امروزه اندیشمندان دیگر رشته‌ها، مخصوصاً مدیریت بازرگانی فرایندهای اعتماد را در محیط‌های تجاری و بازرگانی، به‌عنوان استراتژی، مشارکت و رفتارسازی‌مانی فراگیر توصیف می‌کنند (Atkinson, 2003: 78).

اعتماد کلید اصلی برای روابط بین شخصی یا بین فردی در زمینه‌های مختلف می‌باشد. اعتماد دانش یا عقیده‌ای می‌باشد که اعتماد شونده انگیزه یا محرکی دارد برای انجام دادن عملی که به متعهد به انجام آن می‌باشد. روتر اعتماد را به‌عنوان انتظارات کلی که می‌توانیم به گفتار، وعده‌ها، عبارات‌های شفاهی و کتبی دیگران تکیه کنیم، تعریف می‌نماید. بررسی ادبیات موجود در زمینه اعتماد و اعتماد عمومی نشان‌دهنده نبود یک تعریف مورد اجماع از معنای این واژه می‌باشد. با این حال در تعاریفی که از اعتماد ارائه شده است آن را عموماً انتظار رفتارهای صادقانه و فاقد منفعت‌جویی از دیگران می‌دانند. بر همین اساس اعتماد عمومی نیز باور مردم نسبت به رفتارها و اقدامات خاصی است که انتظار دارند از دولت ببینند. از نظر لومن وقتی اعتماد عمومی مطرح می‌شود مردم انتظار دارند مقامات و سازمان‌های دولتی با اقدامات خود در تعامل با آن‌ها که در این تعامل نوعی عدم اطمینان و عدم شناخت از نحوه انجام امور در سازمان‌های دولتی وجود دارد، به انتظارات آن‌ها پاسخ داده شود.

¹ Direct

به عبارت دیگر اعتماد عمومی، یعنی انتظار مردم از پاسخ مثبت به خواسته‌های آنان از طریق متولیان امور عمومی (Alwani and Danaeifard, 2001: 34). اعتماد عمومی ماهیتی جامعه‌شناختی دارد و می‌توان آن را در عرصه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه رصد کرد. اعتماد عمومی حاصل باور افراد به توانایی‌های آنان در اثرگذاری بر فراگرد توسعه سیاسی و تصور آنان از مراتب پاسخ‌گویی و حساب پس دهی دولت اشاره دارد (Blangr and Nadyv, 2005: 162).

اعتماد عمومی محوری بنیادین در پایداری هر نظام سیاسی می‌باشد. دولت به عنوان نماد نظام سیاسی نقش مهمی در جلب اعتماد عموم به نظام سیاسی ایفا می‌کند. عملکرد مدیریت دولتی نیز که در سازمان‌های دولتی متجلی است، در اعتماد عموم به دولت تأثیرگذار است. در سال‌های اخیر بسیاری از سازمان‌ها خدمات خود را به صورت الکترونیکی به شهروندان ارائه می‌نمایند. یکی از دغدغه‌های پیش روی دولت‌ها و سازمان‌ها در عصر حاضر مسئله فقدان اعتماد شهروندان از ارائه خدمات می‌باشد. هر چه سازمان‌ها بیشتر به سمت الکترونیکی شدن پیش می‌روند این موضوع نیز اهمیت روزافزونی می‌یابد. اعتماد پیش شرط عمده و کلیدی برای موجودیت هر جامعه محسوب می‌شود و برای حل مسائل اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. ما در زندگی با خطرات زیادی مواجه هستیم و پیشرفت تکنولوژی، زندگی را بیش از پیش غیر قابل پیش‌بینی می‌سازد. در این جاست که احتمال ریسک افزایش می‌یابد. افزایش پیچیدگی اجتماعی و فرهنگی، اعتماد را به عنوان جزئی از مهارت شهرنشینی تبدیل کرده است. این مفهوم پیش‌زمینه‌ای برای مشارکت سیاسی و تلاش‌های مبتکرانه و آمادگی برای پذیرش تکنولوژی‌های جدید می‌باشد. امروزه جامعه‌شناسان در نهایت دریافته‌اند که بدون اعتماد، زندگی روزمره اجتماعی که ما برای خود فراهم می‌کنیم به سادگی امکان‌پذیر نمی‌باشد (Alwani and Danaeifard, 2001: 34).

اعتماد باعث پیدایش آرامش و امنیت روانی می‌گردد و برای حرکت موفقیت‌آمیز افراد و افزایش مشروعیت حکام و توسعه سیاسی ضرورت دارد. در شرایطی که جامعه ما در طی دهه گذشته و به ویژه در سال‌های اخیر دست‌خوش تحولات فرهنگی و اجتماعی بوده است، بررسی و شناسایی چنین عناصر فرهنگی که کمک به شناسایی تحولات فرهنگی اجتماعی مبتلا به جامعه می‌کند، جهت افزایش اعتماد و کوشش در جهت حل آن مسائل ضرورت تام می‌یابد (Golabi, 2004: 34). به عقیده استوک^۱ (۱۹۹۹) صرف اینکه اشخاص جامعه در کنار هم زندگی می‌کنند، به یکدیگر احترام می‌گذارند و شاید رفتاری خیرخواهانه یا حداقل غیر بد خواهانه به یکدیگر دارند، ناشی از اعتماد سطحی بین افراد می‌باشد. البته اهمیت پایه‌ای اعتماد فراتر از این دلایل اخلاقی می‌باشد. ارزش کارکردی و سودمند در جلوگیری از به خطر افتادن روابط اجتماعی ظاهر می‌شود (Zahedi et al., 2011: 19).

نقش اعتماد در کارکرد جامعه از مدت‌ها پیش توسط اندیشمندان این حوزه مطالعه شده که از میان آن‌ها می‌توان به دورکیم اشاره کرد. در تئوری سیاسی و جامعه‌شناسی مدرن، مفهوم اعتماد را به طور معمول در چارچوب رابطه‌ای تعریف می‌کنند. این در حالی است که تمرکز جامعه‌شناسان روی روابط بین افراد و سیستم‌ها است. اعتماد یکی از

¹ Stoke

جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌باشد. اعتماد مبادلات را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وسعت می‌بخشد. در فضای مبتنی بر اعتماد ابزارهایی چون زور و اجبار به تضمین دادوستدها، کارایی خود را از دست می‌دهند و در عوض قصد افراد برای بازپرداخت‌ها و اعتقاد به درستکاری افزایش می‌یابد. اعتماد، بازار کار را رونق می‌بخشد، تمایل افراد را به تعامل و همکاری با گروه‌ها افزایش می‌دهد و شبکه‌ای پررونق از تجمع‌های داوطلبانه در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی ایجاد می‌کند.

اعتماد، رضایت را جانشین اجبار می‌کند و این یکی از اهداف مهمی است که نخبگان و اداره‌کنندگان جامعه درصدد دستیابی به آن می‌باشند (Bakhtiari, 2016: 43). یکی از دغدغه‌های عالمان اجتماعی و فیلسوفان از زمان‌های گذشته تا به امروز، موضوع ثبات یا تغییر در جوامع بشری بوده است. ثبات هر جامعه رابطه تنگاتنگی با انسجام اجتماعی دارد و انسجام هر جامعه را می‌توان در رابطه با عوامل و مجاری تغییر درک کرد. از عوامل مهم و مؤثر در انسجام و یکپارچگی جامعه، وجود اعتماد در بین افراد و گروه‌ها و سازمان‌های مختلف اجتماعی است. زمانی که اعتماد اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلف، دچار فرسایش شود، نظم و انسجام اجتماعی نیز با چالش‌هایی مواجه می‌شوند (Sims, 2000: 18). سلیگمن^۱ (۱۹۹۷) برداشت دوگانه‌ای را از اعتماد توسعه داده است که اشاره به زمینه‌های مختلف برای رابطه بین افراد در حوزه شخصی و اشکال نهادی شده اعتماد در فضای عمومی دارد. به نظر وی اعتماد مسئله‌ای می‌باشد که در فرایند انتقال از روابط شخصی و غیررسمی بین افراد به اشکال نهادی و عمومی شده در فضایی که به وسیله قرارداد، قانون و مبادله متقابل انباشته شده محصور گردیده است. برخی پژوهشگران به یک برداشت تعمیم یافته از اعتماد توجه دارند که آن را برحسب انتظار حاصل شده در درون یک اجتماع هنجارمند که مبتنی بر رفتار تعاونی و هنجارهای مشترک می‌باشد، تعریف می‌نمایند. نتیجه این که اولاً روابط اعتماد از طریق اراده‌گرایی مشخص می‌گردد و ثانیاً اعتماد با ارزش‌های مشترک پیوند دارد. ثالثاً اعتماد به‌طور بالقوه با روابط مبتنی بر قرارداد و اجبار صرف ناسازگار می‌باشد (Khodaparast, 2011: 27).

به‌طور کلی می‌توان بیان کرد برخی از ویژگی‌های جامعه معاصر سبب شده است اعتماد اهمیت ویژه‌ای داشته باشد: جامعه امروز به دلیل شرایط جهانی و عدم یقین و ابهام حاکم بر آن، بیش از گذشته به اعتماد نیاز دارد. در دنیای امروز حق انتخاب و گزینش افراد، بسیار زیاد شده است. در همه حوزه‌های زندگی نظیر آموزش و پرورش، کار، اوقات فراغت، مصرف و... ما انسان‌ها مجبور به انتخاب می‌باشیم.

برای انجام این انتخابات ما مجبوریم از اعتماد استفاده کنیم. امروزه بخش قابل توجهی از جهان برای مردم غیرقابل فهم شده است. پیچیدگی نهادها، سازمان‌ها و سیستم‌های فنی باعث شده که مردم عادی نتوانند به‌خوبی آن‌ها را بفهمند. در چنین شرایطی اعتماد، استراتژی مناسبی برای مقابله با ابهامات موجود در محیط اجتماعی است. در محیط جامعه، ما به‌شدت وابسته به عملکرد افرادی هستیم که برای ما ناشناخته و گمنام می‌باشند. ما مدیران بسیاری از سازمان‌ها، تولیدکنندگان کالاها و ارائه‌کنندگان خدمات را به‌طور شخصی نمی‌شناسیم؛ و هیچ راهی که عملکرد این افراد را تحت

¹ Seligman

نظر و کنترل خود در برابریم نداریم. این‌ها کاملاً مستقل از ما و ما به شدت وابسته به آن‌ها هستیم. ما همواره نیاز داریم که به کارایی، مسئولیت پذیری و نیت خیر این افراد گمنام، اعتماد داشته باشیم. فقط با اعتماد می‌شود این مشکل گمنامی را حل کرد. روز بروز در محیط ما تعداد افراد غریبه و ناآشنا بیشتر می‌شود. به دلایل مختلف، انسان امروز در محاصره غریبه‌هاست. انسان برای این‌که بتواند با این غریبه‌ها تعامل داشته باشد، نیاز به اعتماد دارد (2007: 343). (Larson).

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌باشد. اعتماد مبادلات را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سرعت می‌بخشد. در فضای مبتنی بر اعتماد ابزارهایی مانند زور و اجبار برای تضمین دادوستدها کارایی خود را از دست می‌دهند و در عوض قصد افراد برای بازپرداخت‌ها و اعتقاد به درستکاری افزایش پیدا می‌کند. اعتماد، کار بازار را رونق می‌دهد. تمایل افراد را به تعامل و همکاری با گروه‌ها افزایش می‌دهد و شبکه‌ای پررونق از تجمع‌های داوطلبانه در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی ایجاد می‌کند. اعتماد رضایت را جانشین اجبار می‌سازد و این یکی از اهداف مهمی است که نخبگان و اداره‌کنندگان جامعه درصدد دست پیدا کردن به آن می‌باشند (Dasgupta, 1988: 32) خصایصی مانند خوش‌بینی، اطمینان به همکاری و احساس کنترل بر زندگی شخصی از جمله متغیرهایی می‌باشند که بر اعتماد اثرگذار هستند. ضمن اینکه افراد اعتماد خود را در جنبه‌های متفاوت زندگی خویش در خانواده، جمع دوستان و همکاران و مواضع سیاسی بارز می‌سازند (Newton, 2004: 3). بررسی ادبیات موجود در زمینه اعتماد و اعتماد عمومی، نشان‌دهنده نبود یک تعریف مورد اجماع از معنای این واژه است. با این حال در تعاریفی که از اعتماد ارائه شده است، آن را عموماً انتظار رفتارهای صادقانه و فاقد منفعت‌جویی از دیگران می‌دانند. در واقع می‌توان اعتماد را نوعی انتظار نتایج مثبت به حساب آورد که یک طرف می‌تواند بر مبنای اقدام مورد انتظار طرف دیگر، در یک تعامل که ویژگی اصلی آن عدم اطمینان می‌باشد دریافت کند (Danaeifard, 2003: 54) پس ایده اصلی اعتماد، نوعی انتظار است که تخطی از آن اعتماد را مخدوش می‌کند. بر همین اساس اعتماد عمومی نیز باور مردم نسبت به رفتارها و اقدامات خاصی می‌باشد که انتظار دارند از دولت ببینند (Luhmann, 1979: 65). وقتی اعتماد عمومی مطرح می‌گردد مردم انتظار دارند مقامات و کارکنان سازمان‌های دولتی با اقدامات خود در تعامل با آن‌ها که در این تعامل نوعی عدم اطمینان و عدم شناخت از نحوه انجام امور در سازمان‌های دولتی وجود دارد، به انتظارات آن‌ها پاسخ داده شود. به عبارت دیگر اعتماد عمومی، یعنی انتظار مردم از دریافت مثبت پاسخ به خواسته‌های آنان از طرف متولیان امور عمومی اعتماد عمومی ماهیتی جامعه‌شناختی داشته و می‌توان آن را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه رصد کرد. اعتماد عمومی حاصل باور افراد به توانمندی آنان در اثرگذاری در فراگرد توسعه سیاسی و تصور آنان از مراتب پاسخگویی پس و حساب دهی دولت اشاره دارد (Nye & Zelikow, 1997: 568).

بررسی ادبیات موجود بر فقدان تعریف دقیق از معنای واژه اعتماد حکایت دارد. تعریف اعتماد در فرهنگ انولسی و کسفورد به شرح ذیل می‌باشد:

اطمینان یا اتکا به برخی از ویژگی‌ها یا خصایص یک شخص یا سازمان پذیرفتن یا اعتبار دادن به شخص یا سازمان بدون بررسی و دریافت شواهد و قرائن باور یا اعتقاد یا اتکا به صداقت یک فرد یا سازمان داشتن انتظارات مطمئن نسبت به یک فرد یا سازمان

صداقت، درستی و وفاداری اعتماد به عنوان یکی از محورهای مهم فلسفه اجتماعی و اخلاقی در سال‌های دیرینه تاریخ بشر ریشه دارد. تعاریف متعددی از واژه اعتماد ارائه و درگذر زمان دستخوش تغییر گردیده است. به علت چنین پیشینه‌ای، رویکردهای متفاوتی نسبت به مفهوم اعتماد وجود دارد. ما به دیگران اعتماد می‌کنیم تا منافع ما را در نظر بگیرند. پس اگر این افراد صرفاً منفعت‌طلب به حساب آیند این حالت نسبت به آن‌ها شکل نمی‌گیرد. لذا اگر طرف مورد اعتماد فقط نفع شخصی خود را ببیند اعتماد مفهومی پیدا نمی‌کند. به‌زعم مارچ والسن، ایده محوری اعتماد این می‌باشد که اعتماد بر نوعی انتظار استوار می‌باشد (March & Olsen, 1989: 2007).

تخطی از این انتظارات، اعتماد را مخدوش می‌کند اما ضرورتاً بی‌اعتمادی ایجاد نمی‌کند. به اعتقاد زاگر بی‌اعتمادی وقتی ایجاد می‌گردد که بدگمانی بروز کند که در نتیجه آن بی‌توجهی به برخی از انتظارات در یک مبادله دوطرفه، احتمالاً به دیگر مبادلات نیز تعمیم داده می‌شود. بنابراین می‌توان اعتماد را نوعی انتظار نتایج مثبت به حساب آورد که یک طرف می‌تواند بر مبنای اقدام مورد انتظار طرف دیگر (در یک تعامل که ویژگی اصلی آن عدم اطمینان است) دریافت نماید. این تعریف، کامل به نظر می‌آید. زیرا، الف) در محیطی که عدم اطمینان وجود دارد، شکل می‌گیرد وب) بیان‌کننده نوعی انتظار می‌باشد که امکان تخطی از آن وجود دارد، ج) میزانی از اعتماد به‌طور مستقیم به میزانی از انتظارات پیوند می‌خورد (نیازمند دو یا چند طرف می‌باشد) به نتایج مطلوب مرتبط می‌شود، نه نتایج منفی اعتماد عمومی یکی از محورهای اصلی نظریه‌های دولت و سازمان دولتی می‌باشد. اعتماد عمومی یکی از سرمایه‌های اجتماعی می‌باشد که وحدت را در سیستم‌های اجتماعی، ایجاد و حفظ می‌کند؛ و ارزش‌های دموکراتیک را پرورش می‌دهد. اعتماد، شهروندان را به نهادها و سازمان‌هایی که نمایندگان آن‌ها می‌باشند پیوند می‌دهد و از این طریق مشروعیت و اثربخشی دولت دموکراتیک افزایش می‌یابد. در مدیریت دولتی بر این نکته تأکید می‌شود که تنها سطح متوسطی از اعتماد، کارکردی و سازنده می‌باشد، بدین معنا که اعتماد احساسی و افراطی مردم نسبت به دولت و مدیران دولتی، مانع نقد و اصلاح عملکرد آن‌ها می‌شود و کاهش اعتماد عمومی نیز مشروعیت نظام سیاسی و مدیریت دولتی را نیز زیر سؤال می‌برد (داناوی فر، ۱۳۹۰: ۴۵). بررسی ادبیات موجود در زمینه اعتماد و اعتماد عمومی نشان‌دهنده نبود یک تعریف مورد اجماع از معنای این واژه می‌باشد. با این حال در تعاریفی که از اعتماد ارائه گردیده است آن را عموماً انتظار رفتارهای صادقانه و فاقد منفعت‌جویی از دیگران می‌دانند (Danaei-Fard, 2011: 46).

یافته‌های پژوهش

در ادامه حاضر به منظور «مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران: (مطالعه موردی دولت روحانی)» داده‌های جمع‌آوری شده را با نرم افزار آماری SPSS21 و انجام مدل‌سازی

معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل کرده و یافته‌های حاصل را در قالب مشخصه‌های آماری توصیفی و آمار استنباطی به شکل جدول و گزارشات کتبی برای متغیرهای پژوهش مستند گردیده است.

آمار توصیفی

اطلاعات جمعیت شناختی که در پرسشنامه مورد سؤال قرار گرفت، عبارت‌اند از: جنسیت، سن، تحصیلات و سابقه کار اکنون، با توجه به گزینه‌های فوق و اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه، به تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها با استفاده از جداول و نمودارها می‌پردازیم. لازم به ذکر است که برای ترسیم جداول و نمودارها از برنامه‌های Excel، Spss استفاده گردیده است.

توزیع آماری نمونه بر حسب جنسیت

جدول توزیع فراوانی ۱-۴ وضعیت جنسیت را در نمونه آماری نشان می‌دهد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که از بین افراد نمونه ۶۰٫۴ درصد (۱۰۲ نفر) مرد و ۳۹٫۶ درصد (۶۷ نفر) زن می‌باشند. قابل ذکر است که اکثریت پاسخ‌دهندگان مرد می‌باشند.

جدول ۱: فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت (n=169)

| متغیر جنسیت | فراوانی | درصد فراوانی |
|-------------|---------|--------------|
| مرد | ۱۰۲ | ۶۰/۴ |
| زن | ۶۷ | ۳۹/۶ |
| جمع کل | ۱۶۹ | ۱۰۰/۰ |

Source: Research Findings, 2020

توزیع آماری نمونه بر حسب تحصیلات

جدول توزیع فراوانی ۲-۴ وضعیت تحصیلی نمونه آماری را نشان می‌دهد. نتایج تحقیق حاکی از آن می‌باشد که مدرک تحصیلی افراد نمونه ۵۶٫۲ درصد (۹۵ نفر) فوق دیپلم و لیسانس، ۳۲٫۵ درصد (۵۵ نفر) فوق لیسانس و ۱۱/۲ درصد (۱۹ نفر) دکتری می‌باشد. قابل ذکر است که مدرک تحصیلی اکثریت پاسخ‌دهندگان فوق دیپلم و لیسانس می‌باشند.

جدول ۲: فراوانی پاسخگویان بر حسب مدرک تحصیلی (n=169)

| متغیر تحصیلات | فراوانی | درصد فراوانی |
|--------------------|---------|--------------|
| فوق دیپلم و لیسانس | ۹۵ | ۵۶/۲ |
| فوق لیسانس | ۵۵ | ۳۲/۵ |
| دکتری | ۱۹ | ۱۱/۲ |
| جمع کل | ۱۶۹ | ۱۰۰/۰ |

Source: Research Findings, 2020

توزیع آماری نمونه بر حسب سن

جدول توزیع فراوانی ۳-۴ وضعیت سنی را نشان می‌دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که از بین افراد نمونه ۱۳٫۰ درصد (۲۲ نفر) بین ۲۵ تا ۳۵ سال، ۳۵/۵ درصد (۶۰ نفر) ۳۵-۴۵ سال، ۳۹/۶ درصد (۴۰ نفر) ۴۵-۵۵ سال، ۱۱/۸ درصد (۲۰ نفر) ۵۶ سال و بالاتر دارند. قابل ذکر است که اکثریت پاسخ‌دهندگان در رده سنی ۴۵-۵۵ سال می‌باشند.

جدول ۳: فراوانی پاسخگویان بر حسب سن (n=169)

| متغیرسن | فراوانی | درصد فراوانی |
|-----------------|---------|--------------|
| ۲۵-۳۵ سال | ۲۲ | ۱۳,۰ |
| ۳۵-۴۵ سال | ۶۰ | ۳۵,۵ |
| ۴۵-۵۵ سال | ۶۷ | ۳۹,۶ |
| ۵۶ سال و بالاتر | ۲۰ | ۱۱,۸ |
| جمع کل | ۱۶۹ | ۱۰۰,۰ |

Source: Research Findings, 2020

توزیع آماری نمونه بر حسب سابقه کار

جدول توزیع فراوانی ۴-۴ وضعیت سابقه کاری پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که از بین افراد نمونه ۱۹/۵ درصد (۳۳ نفر) کمتر از ۵ سال، ۳۲/۰ درصد (۵۴ نفر) ۶-۱۰ سال، ۳۲/۰ درصد (۵۴ نفر) ۱۱-۱۵ سال، ۱۶/۶ درصد (۲۸ نفر) ۱۶ سال و بیشتر سابقه کار دارند. قابل ذکر است که اکثریت پاسخ‌دهندگان ۶-۱۰ سال و ۱۱-۱۵ سال سابقه کار دارند.

جدول ۴: فراوانی پاسخگویان بر حسب سابقه کاری (n=169)

| سابقه کار | فراوانی | درصد فراوانی |
|-----------------|---------|--------------|
| کمتر از ۵ سال | ۳۳ | ۱۹,۵ |
| ۶-۱۰ سال | ۵۴ | ۳۲,۰ |
| ۱۱-۱۵ سال | ۵۴ | ۳۲,۰ |
| ۱۶ سال و بالاتر | ۲۸ | ۱۶,۶ |
| جمع کل | ۱۶۹ | ۱۰۰,۰ |

Source: Research Findings, 2020

شاخصه‌های الگوی حکمرانی خوب در دولت روحانی و احمدی‌نژاد (۲۰۱۷-۲۰۰۶).

ثبات سیاسی و عدم خشونت

ناآرامی سیاسی، اطمینان و امید به آینده را که زمینه‌ساز توسعه می‌باشد، مختل می‌کند و فضای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را آلوده می‌سازد و در مجموع به کاهش کارایی و مطلوبیت می‌انجامد (Sariolghalam, 1996: 35) البته در کنار بی‌ثباتی‌های سیاسی، بی‌ثباتی در سیاست‌ها و مدیریت آنان تأثیر عمده‌ای بر توسعه برجای می‌گذارد (Abdiweli, 2001: 96).

در دوره‌ی احمدی‌نژاد هم بی‌ثباتی در سیاست‌ها و هم در صحنه‌ی سیاسی قابل مشهود و اختلافات بین قوا در این دوره‌ی کاملاً آشکار می‌باشد. همچنین تغییرات پی در پی اعضای کابینه، استانداران و حتی مدیران میانی که خود بر ثبات سیاسی و مدیریت امور کامل تأثیرگذار بود. در صحنه اجتماعی مهم‌ترین بی‌ثباتی می‌توان به انتشار کاریکاتوری در روزنامه‌ی ایران در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۵ اشاره کرد که به اعتراضات دانشجویی دانشگاه‌های تهران، تبریز و دیگر شهرها منجر شد؛ اما مهم‌ترین بی‌ثباتی سیاسی در این دوره اعتراضات مربوط به نتایج انتخابات دهم ریاست جمهوری بود. در سراسر سال ۱۳۸۸ اعتراضات و شورش‌هایی به نتیجه‌ی انتخابات وقوع پیوسته و شدیدترین اعتراضات مربوط به تاسوعا و عاشورا

می‌باشد که به‌نوعی امور کشور در طی یک سال با اختلال روبه‌رو کرد (Pourian, 2013: 150). در دوره‌ی روحانی با توجه به رویکرد جدید دولت مبنی بر اعتدال‌گرایی تا حدودی ثبات و آرامش در بخش‌های مختلف و حتی در سیاست‌ها هم حکم‌فرما گردید، اما ناآرامی‌های مربوط به دی‌ماه سال ۱۳۹۶ در روند ثبات سیاسی این دوره اثرگذار بود. میانگین ثبات سیاسی در این دوره ۸۸- است که نسبت به دوره‌ی احمدی‌نژاد ۱/۳۷- در وضعیت بهتری قرار دارد که البته اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در این دوره مورد بررسی قرار نگرفته است و میانگین ثبات سیاسی تا قبل از اعتراضات آبان ۹۸ است.

کنترل فساد

فساد سوءاستفاده از قدرت عمومی برای سود شخصی می‌باشد و اغلب به عنوان یک پدیده‌ی منفی مطرح می‌شود که می‌تواند تأثیر پیچیده و منفی بر اقتصاد داشته باشد (Sepulveda & Mendez, 2006: 18). در دوره‌ی احمدی‌نژاد فسادهای کلان مالی رخ می‌دهد. فساد در بیمه ایران، اختلاس سه هزار میلیاردی و فساد نفتی از جمله آن‌ها می‌باشد. از دلایل اصلی حجم فساد در این دوره، افزایش قیمت نفت و تکیه‌ی بیشتر بر درآمدهای نفتی بود که اندازه و حیطه‌ی دخالت دولت در تمام امور گسترش می‌یابد و این خود کنترل دولت و حفظ سلامت در آن را بسیار سخت‌تر می‌کند. رانت جویی علاوه برت ضعیف نهادها با فساد نیز در ارتباط می‌باشد. چنان‌که دولت در حکم یک گنجینه که تمامی گروه‌های ذی‌نفوذ برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند و در چنین شرایطی زمینه‌ی فساد گسترده فراهم می‌شود. فساد به نوبه خود، بر خط‌مشی و سیاست‌گذاری‌ها اثر منفی جای می‌گذارد (Mirtrabi, 2008: 31). این موضوع هم در دوره‌ی روحانی به نحوی ادامه پیدا می‌کند و بخصوص با شروع افزایش درآمدهای نفتی بعد از برجام هم تشدید می‌شود، البته در فساد سهم قوای دیگر را نیز باید دخیل دانست. اگرچه در کنترل فساد هم نمره‌ی دولت روحانی با ۶۸- در برابر دولت احمدی‌نژاد با ۷۴- در وضعیت بهتری می‌باشد.

کیفیت قوانین و مقررات

این شاخص بیان‌گر مفاهیمی چون مقررات دست و پاگیر، مداخله‌ی دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای، غیر تعرفه‌ای دسترسی به بارزها می‌باشد (Khodaparast, 2016: 37) در این جهت، قوه‌ی مقننه در ایران دارای آسیب‌های ساختاری، کارکردی و محتوایی می‌باشد. فقدان تعریف روشن و جامع از قوه مقننه و عدم تعیین دقیق ساختار و اجزای این نهاد، وجود برخی نارسایی‌ها و ابهامات در آیین‌نامه‌های داخلی و سازوکارهای درونی مجلس از جمله عدم نظارت بر رفتار حرفه‌ای نمایندگان، عدم رعایت اصول حقوقی و انشایی در تدوین و نگارش قوانین و وجود جریان‌ات موازی قانون‌گذاری مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبات قوه‌ی مجریه و برخی مجامع و نهادهای دیگر از مهم‌ترین چالش‌های قوه‌ی مقننه در ایران می‌باشد (Jalalian, 2017: 82). وجود قوانین زیاد چنان‌که سهم مجالس پس از انقلاب اسلامی به طور میانگین در هر دوره بیش از ۳۰۰ قانون بوده که خود عامل

مشکل زایی می‌باشد؛ بنابراین، فرآیند قانون‌گذاری و وجود قوانین متعدد و موازی موجب شده قوانین نقش مهمی در تسهیل امور ایفا نکنند، هرچند در این شاخص هم در دوره روحانی با توجه به رویکرد قانون مداری دولت و لغو برخی از مصوبات مسئله‌دار دولت قبل در امور گوناگون اوضاع تا حدودی رو به سهولت برود. چنان‌که طبق آمار بانک جهانی میانگین نمره‌ی این شاخص حکمرانی در دوره احمدی‌نژاد ۱/۵۷ - در دوره روحانی به ۱/۳۰ - می‌رسد.

حاکمیت قانون

۱- اصول

نظم سیاسی مدرن دربردارنده‌ی سه عنصر کلیدی می‌باشد: ۱. دولت‌سازی، ۲. حکومت قانون، ۳. مسئول شدن حکومت. (Fukuyama, 2011: 42). حاکمیت قانون از طریق حفظ حقوق مالکیت، حسن اجرای قراردادها، توسعه بازارها و تشویق کارآفرینی بر روند اقتصادی تأثیر عمده‌ای می‌گذارد (Heydari, 2014: 107). ماده‌ی ۲ قانون مدنی صراحتاً اعلام می‌دارد که قوانین مصوب مجلس، پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجرا می‌باشد، مگر آنکه در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر گردیده باشد. بر اساس این ماده‌ی قانونی، هیچ‌گونه تعلل و خللی در اجرای قوانین نباید ایجاد نگردد. اما در دوره احمدی‌نژاد تعداد زیادی از قوانین پس از تصویب در مجلس و ابلاغ به رئیس‌جمهوری اجرا نمی‌شود. مهم‌ترین موارد قانون‌گریزی در دوره احمدی‌نژاد عدم تمکین دولت مبنی بر تشکیل وزارت ورزش و جوانان، عدم معرفی وزیر جدید راه ترابری، گزارش دیوان محاسبات از تخلفات دولت در عدم واریز مازاد درآمد نفتی به حساب ذخیره‌ی ارزی، تخلفات مربوط به اجرای قانون بودجه و یا مربوط به اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها اشاره کرد. در دوره روحانی بین قوا هماهنگی وجود دارد و اختلافات کمتر شکل می‌گیرد، هرچند در این دوره هم نقاط افتراق‌هایی وجود دارد که آن را در روند تصویب برنامه‌ی ششم توسعه یا قانون بودجه و یا تعارض با قوه‌ی قضاییه می‌توان مشاهده کرد، اما مشکل ساختاری در قانون‌گذاری فراتر از دولت‌ها یکی از دلایل اصلی در نوسانات این شاخص در ایران می‌باشد. در شاخص قانون مداری هم دولت روحانی با ۰/۷۲ - در برابر دولت احمدی‌نژاد با ۰/۹۲ - در وضعیت بهتری به سر می‌برد.

۲- پاسخ‌گویی و اظهار نظر

در دولت احمدی‌نژاد جامعه‌ی مدنی و احزاب سیاسی رشد و گسترش پیدا نکردند، دولت بیشتر سعی داشت رو در رو بدون واسطه با مردم عادی در تماس باشد. به دلیل نگاه محدود دولت، نهادهای مدنی که به تدریج وارد فاز تثبیت می‌گردند با چالش‌های جدیدی روبه‌رو می‌گردند. باوجود پذیرش این نهادها در سخن دولتمردان در عمل از رشد و ادامه‌ی حیات آنان جلوگیری می‌کند. باوجود شعارهای عدالت محورانه حرکت به سوی عدالت اجتماعی در جنبه‌ی نهادی احساس نمی‌شود. بنابراین، نهادهای مدنی در این دوره از سوی دولت طرد و آن‌ها به‌عنوان ابزارهای بی‌خاصیتی برای امور کشور تلقی می‌گردد (Heydari, 2016: 155).

رئیس‌جمهور با نهادهای مختلف نظام مانند مجلس شورای اسلامی به‌خصوص و قوه قضائیه و حتی بخشی از نیروهای مسلح اختلاف پیدا می‌کند. در دوره روحانی هم فعالیت دولت در سیاست خارجی تمرکز پیدا می‌کند و جامعه مدنی چندان گسترش نمی‌یابد هرچند رئیس‌جمهور با شعار اعتدال‌گرایی سعی می‌کند بین جریان‌های مختلف موازنه، اجماع و وفاق برقرار کند (Rezaei, 2013: 150) در این شاخص دولت روحانی با میانگین نمره ۱/۴۳ - در برابر ۱/۵۳ - وضعیت بهتری نسبت به دولت احمدی‌نژاد قرار دارد.

۳- شاخص کارایی و اثربخشی

این شاخص مربوط به کیفیت نظام اداری و ارائه خدمات آن و رسیدن دولت به اهداف به‌عنوان ابزار توسعه تلقی می‌شود و به نوعی دولت از این خود می‌باشد. نظام اداری عموماً طریق راهبری و مدیریت توسعه را انجام می‌دهد. اما در دوره احمدی‌نژاد در این بخش اقداماتی انجام می‌شود که نظام اداری از مسیر اصلی خود منحرف کرده است. هرچند ناکارآمدی نظام اداری ایران دارای ریشه تاریخی می‌باشد؛ اما از اولین اقدامات دولت احمدی‌نژاد انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که از ساختار این سازمان دو معاونت هماهنگی و نظارت راهبردی و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه‌ی انسانی رئیس‌جمهور تشکیل و تمام امور اداری و مالی در این دو معاونت گنجانده شد. از اقدامات دیگر که از نظر رئیس‌جمهور وقت باهدف تسریع امور انجام گردید، حذف بسیاری از شوراها می‌باشد (Shorji, 2016: 170)

در این دوره شاهد مصوبات جنجالی در حوزه نظام اداری هستیم که می‌توان به مصوبه مهر آفرین اشاره شود. بر پایه همین مصوبه در اواخر دولت تعداد بی‌شماری نیروی انسانی به دستگاه‌های اجرایی اضافه شدند و از طرفی دیگر، ساختار دولت با افزایش تعداد پست‌های سازمانی توسعه پیدا کرد. البته به‌موازات آن در این دوره چندین وزارت خانه باهم ادغام گردید. نمره این شاخص هم برای ایران منفی می‌باشد و به‌نوعی ناکارآمدی بخش اداری را نشان می‌دهد. در دوره روحانی در حوزه نظام اداری، ضمن احیای سازمان مدیریت و در ادامه سازمان اداری و استخدامی و سازمان برنامه‌بودجه، شاهد اجرای برنامه جامع اصلاح نظام اداری ۱ و ۲ و نیز ماده ۲۸ قانون برنامه‌ی ششم توسعه که خود منجر به کاهش حجم نظام اداری و کارآمدتر شدن آن شد که آن در آمارهای بانک جهانی قابل‌ملاحظه می‌باشد. نمره این شاخص در دوره احمدی‌نژاد ۰/۵۶- و در دوره روحانی ۲۶- /۰ می‌باشد.

۴- شفافیت

شفافیت یکی از ابعاد مهم در اقتصاد می‌باشد که زمینه را برای رقابت سالم و ایجاد انگیزه فراهم می‌کند و موجب نظم و کارایی در سیاست‌های اقتصادی می‌گردد (Payne, 2012: 84). عدم شفافیت و به‌نوبه آن فسادهای گسترده در دوره احمدی‌نژاد رواج پیدا کرد که ناشی از شیوه مدیریت دولت می‌باشد که چندان در پی اجرا و قید مقررات و نظارت عمدتاً نبود. تغییرات ساختاری از جمله انحلال سازمان مدیریت

و برخی شوراها که در این میان نقش سازمان مدیریت به حاشیه رفت و دیگر هیچ‌گاه نتوانست ساختار و شکل اولیه‌ی خود را به دست آورد، در این موضوع تأثیرگذار می‌باشد (Matlabi, 2018: 3). فضای امنیتی حاصل از اختلافات سیاسی موجب شد شفافیت رسانه‌ای از میان برود و خلاف‌کاران با خیال راحت جولان دهند. عامل مهم دیگر تحریم‌های آمریکا را می‌توان نام برد که عده‌ای از افراد باهدف دور زدن تحریم‌ها وارد معرکه شدند و هرچه توانستند فساد کردند و درنهایت هم به حجم رو به افزون دولت اشاره کرد. عدم ثبات سیاست‌ها و طرح‌های اقتصادی کارشناسی نشده در این دولت اشاره کرد. در دولت اول روحانی، اقداماتی در جهت افزایش شفافیت انجام شد، نظم و ثبات اقتصادی به خصوص در دولت اول پایه‌ی اصلی سیاست‌گذاری‌ها شد. همچنین در زمینه‌ی توسعه‌ی دولت الکترونیک و گسترش سامانه‌ها اقداماتی انجام شد. از طرفی تا حدودی آزادی عمل رسانه‌ها هم در شفافیت اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار بود. نمره‌ی شفافیت در دولت اول روحانی با میانگین ۲۸ از دولت احمدی‌نژاد با ۲۴ در وضعیت بهتری قرار دارد.

وابستگی به رانت و بالابودن هزینه‌های دولت

دولت رانتی که به استقلال دولت از جامعه منجر می‌گردد و نیز به دلیل نظام مدیریتی نامناسب و برای کسب مشروعیت به توزیع پول در جامعه اقدام می‌کنند. در این گونه دولت‌ها با توجه به فضای نهادی و حمایت نکردن از کارآفرینی شاخصه‌های اقتصادی رشدی نمی‌کنند (Qanwani, 2017: 205) دولت ایران از دهه‌ی ۱۳۵۰ و با تکیه بر درآمدهای نفتی به اداره‌ی امور عمومی می‌پرداخت و این روند پس از پیروزی انقلاب شدت گرفت و یکی از دوره‌هایی که درآمد نفتی افزایش یافت و به میزان آن نیز رانتی بودن دولت و هزینه‌های آن به دلیل سیاست‌های توزیعی دولت افزایش پیدا کرد، دوره‌ی احمدی‌نژاد بود که بیش از ۴۳٪ از بودجه دولت بر درآمد نفتی و رانت متکی می‌باشد، هرچند با شروع تحریم‌های نفتی این رقم کاهش پیدا کرد، چنان‌که در دوره‌ی روحانی به ۲۵٪ و البته بعد از برجام و لغو برخی تحریم از جمله نفتی به ۳۵٪ می‌رسد، البته به موازات آن هم هزینه‌ها در دولت رانتی به دلیل درآمدهای بدون قاعده بالاست. میزان هزینه‌ها در دولت احمدی‌نژاد ۲۷٪ تولید ناخالص داخلی است و این عدد در دوره‌ی روحانی به ۲۴٪ می‌رسد.

دولت الکترونیک

دولت الکترونیک به عنوان مقوله‌ای که هم در فرآیند و ماهیت دولت تأثیرگذار می‌باشد؛ از آن جمله کاهش هزینه و صرفه‌جویی در بودجه‌ی دولت به واسطه‌ی تغییر ساختار و اصلاح فرآیندهای اداری و نیز فراهم نمودن مکانیسم کنترلی مناسب می‌باشد (Ciborra, 2005: 261).
ارائه‌ی مالیات الکترونیکی به عنوان یکی از محصولات دولت الکترونیکی می‌تواند در کنار افزایش درآمدهای مالیاتی، موجب افزایش شفافیت و کاهش فساد و درنهایت منجر به اعتماد عمومی بیش تر

گردد. دولت پرهزینه و رانتی در فرآیندهای ساختاری و سازمانی در سطح خرد و کلان مدیریت توسعه دارای چالش می‌باشد. یکی از مشکلاتی اساسی در نظام اداری ایران عدم وجود سامانه‌هایی می‌باشد که در شفافیت و نیز تسریع فرآیندها اثرگذار باشد. هرچند در طول برنامه‌ی پنجم توسعه به این مقوله مبسوط پرداخته شد و در دوره‌ی روحانی اقداماتی انجام شد و نقشه‌ی راه دولت الکترونیک تدوین گردید و یکی از عناصر اصلی در برنامه‌ی جامع اصلاح نظام اداری در این دولت موضوع دولت الکترونیک می‌باشد و رئیس جمهور بارها در سخنرانی‌های خود برای دولت الکترونیک اهمیت فراوانی قایل می‌باشد (Shahid Rajaei Festival, 06/17/2018). اما مشکل عمده وجود ارتباط و یا تجمیع این گونه سامانه‌ها می‌باشد که بتواند آمار و اطلاعات دقیق و جامعی را ارائه دهد، در دولت روحانی رتبه‌ی دولت الکترونیک ایران از ۱۰۸ به ۱۰۵ صعود می‌کند.

درآمد مالیاتی نسبت به GDP

از متغیرهای دیگر اقتصادی که از الگوی حکمرانی خوب تأثیر می‌پذیرد، نظام مالیاتی کارآمد می‌باشد. تقویت ویژگی‌های پاسخ‌گویی و اثربخشی و قانون‌گرایی دولت تمایل افراد را به پرداخت مالیات افزایش می‌دهد (Ahmad and Ajaz, 2010: 413). با این که در اجرای ماده‌ی ۹۵ قانون برنامه‌ی سوم توسعه به منظور افزایش کارایی نظام مالیاتی و رفع موانع سازمانی موجود و همچنین تمرکز کلیه‌ی امور مربوط به اخذ مالیات در یک سازمان واحد، سازمان امور مالیاتی در سال ۱۳۸۱ به صورت یک مؤسسه‌ی دولتی زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی ایجاد شد و با این کار، ساختار مجزا و قانون‌مندی در بخش مالیاتی شکل گرفت و هم‌اکنون با ۴ معاونت و ۲۸ واحد سازمانی و تقریباً ۳۳ هزار نیروی انسانی، از جهت اداری و مدیریتی از دستگاه‌های اجرایی توانمند کشور می‌باشد (سامانه‌ی ملی مدیریت ساختار دستگاه‌های اجرایی کشور) اما با توجه به ماهیت دولت رانتی، ضعف در سامانه‌ها و فرآیندها و مشکلات ساختاری میزان درآمد مالیاتی در طول دولت‌های مختلف چندان مطلوب نمی‌باشد، اگرچه میزان درآمد مالیاتی در دولت روحانی از ۰.۶٪ تولید ناخالص داخلی به ۰.۸٪ می‌رسد (Economywatch, 2016: 12).

آمار توصیفی متغیرها

جدول ۵: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

| شفافیت | کارآمدی | پاسخگویی | اثربخشی | کیفیت مقررات | حق اظهار نظر | ثبات سیاسی | حاکمیت قانون |
|---------|---------|----------|---------|--------------|--------------|------------|--------------|
| ۱۹,۸۴۰۲ | ۲۳,۶۵۶۸ | ۲۲,۶۲۱۳ | ۲۸,۳۵۵۰ | ۱۳,۹۵۸۶ | ۱۶,۸۲۲۵ | ۱۷,۶۸۶۴ | ۲۱,۶۲۶۷ |
| ۴,۱۷۹۵۲ | ۴,۶۹۹۳۵ | ۵,۰۲۱۲۴ | ۶,۳۲۳۸۵ | ۳,۵۵۶۲۷ | ۴,۸۵۵۴۶ | ۳,۹۹۲۸۳ | ۴,۶۶۳۳۸ |
| ۱۷,۴۶۸ | ۲۲,۰۸۴ | ۲۵,۲۱۳ | ۴۰,۰۵۲ | ۱۲,۶۴۷ | ۲۳,۵۷۵ | ۱۵,۹۴۳ | ۲۱,۷۴۷ |
| ۱۰,۰۰۰ | ۹,۰۰۰ | ۹,۰۰۰ | ۱۶,۰۰۰ | ۷,۰۰۰ | ۵,۰۰۰ | ۵,۰۰۰ | ۹,۰۰۰ |
| ۲۵,۰۰۰ | ۳۰,۰۰۰ | ۳۰,۰۰۰ | ۴۰,۰۰۰ | ۲۰,۰۰۰ | ۲۵,۰۰۰ | ۲۵,۰۰۰ | ۳۰,۰۰۰ |

Source: Research Findings, 2020

برای سنجش متغیر شفافیت از ۵ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۵ و حداکثر نمره ۲۵ می‌باشد و میانگین خام، ۱۵ می‌باشد و طبق نتایج، ۱۹,۸۴ می‌باشد که بالاتر از حد میانگین می‌باشد

و متغیر کارآمدی از ۶ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۶ و حداکثر نمره ۳۰ می‌باشد و میانگین خام، ۱۸ است و طبق نتایج، ۲۳،۶۵ می‌باشد که بالاتر از حد میانگین می‌باشد

متغیر پاسخگویی از ۶ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۶ و حداکثر نمره ۳۰ است و میانگین خام، ۱۸ می‌باشد و طبق نتایج، ۲۲،۶۲ می‌باشد که بالاتر از حد میانگین می‌باشد.

متغیر اثربخشی از ۸ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۸ و حداکثر نمره ۴۰ می‌باشد و میانگین خام، ۲۴ می‌باشد و طبق نتایج، ۲۸،۳۵ است که بالاتر از حد میانگین می‌باشد.

متغیر کیفیت مقررات از ۴ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۴ و حداکثر نمره ۲۰ است و میانگین خام، ۱۲ است و طبق نتایج، ۱۳،۹۵ می‌باشد که بالاتر از حد میانگین می‌باشد.

متغیر حق اظهار نظر از ۵ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۵ و حداکثر نمره ۲۵ است و میانگین خام، ۱۵ می‌باشد و طبق نتایج، ۱۶،۸۲ است که بالاتر از حد میانگین می‌باشد.

متغیر ثبات سیاسی از ۵ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۵ و حداکثر نمره ۲۵ می‌باشد و میانگین خام، ۱۵ می‌باشد و طبق نتایج، ۱۷،۶۸ می‌باشد که بالاتر از حد میانگین می‌باشد

متغیر حاکمیت قانون از ۶ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۶ و حداکثر نمره ۳۰ می‌باشد و میانگین خام، ۱۸ است و طبق نتایج، ۲۱،۶۲ است که بالاتر از حد میانگین می‌باشد.

جدول ۶: آمار توصیفی متغیرها

| میانگین | مبارزه با فساد | اعتماد | مشارکت | ارتباط با دیگران | تعهد و مسئولیت | همکاری | هویت جمعی | اعتماد عمومی |
|---------|----------------|---------|---------|------------------|----------------|---------|-----------|--------------|
| ۲۲،۹۷۰۴ | ۲۸،۶۶۸۶ | ۶،۸۹۳۵ | ۲۹،۸۹۹۴ | ۲۴،۵۵۰۳ | ۳۰،۷۷۵۱ | ۳۱،۲۰۱۲ | ۵۴،۵۷۹۹ | |
| ۶،۲۸۹۰۹ | ۵،۹۳۰۸ | ۲،۱۰۷۳۶ | ۶،۰۹۹۰۳ | ۶،۱۴۶۹۲ | ۵،۴۲۰۱۲ | ۶،۵۱۶۰۸ | ۱۸،۷۰۸۷۹ | |
| ۳۹،۵۵۳ | ۳۵،۱۷۵ | ۴،۴۴۱ | ۳۷،۱۹۸ | ۳۷،۷۸۵ | ۲۹،۳۷۸ | ۴۲،۴۵۹ | ۳۵۰،۱۰۹ | |
| ۷،۰۰ | ۱۵،۰۰ | ۲،۰۰ | ۱۵،۰۰ | ۱۰،۰۰ | ۱۷،۰۰ | ۱۲،۰۰ | ۱۷،۰۰ | |
| ۳۵،۰۰ | ۴۰،۰۰ | ۱۰،۰۰ | ۴۰،۰۰ | ۳۵،۰۰ | ۳۹،۰۰ | ۴۰،۰۰ | ۸۴،۰۰ | |

Source: Research Findings, 2020

متغیر مبارزه با فساد از ۷ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۷ و حداکثر نمره ۳۵ است و میانگین خام، ۲۱ است و طبق نتایج، ۲۲،۹۷ است که بالاتر از حد میانگین می‌باشد.

متغیر اعتماد از ۸ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۸ و حداکثر نمره ۴۰ است و میانگین خام، ۲۴ است و طبق نتایج، ۲۸،۶۶ است که بالاتر از حد میانگین می‌باشد.

متغیر مشارکت از ۲ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۲ و حداکثر نمره ۱۰ است و میانگین خام، ۶ است و طبق نتایج، ۶،۸۹ است و میانگین بالاتر از حد میانگین می‌باشد.

متغیر ارتباط با دیگران از ۸ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۸ و حداکثر نمره ۴۰ است و میانگین خام، ۲۴ است و طبق نتایج، ۲۹،۸۹ است و بالاتر از حد میانگین می‌باشد.

متغیر تعهد و مسئولیت از ۷ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۷ و حداکثر نمره ۳۵ است و میانگین خام، ۲۱ است و طبق نتایج، ۲۴،۵۵ است و بالاتر از حد میانگین می‌باشد.

متغیر همکاری از ۸ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۸ و حداکثر نمره ۴۰ است و میانگین خام، ۲۴ است و طبق نتایج، ۳۰,۷۷ است و بالاتر از میانگین می‌باشد.

متغیر هویت جمعی از ۸ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۸ و حداکثر نمره ۴۰ است و میانگین خام، ۲۴ می‌باشد و طبق نتایج، ۳۱,۲۰ است و بالاتر از میانگین می‌باشد.

متغیر اعتماد عمومی از ۱۷ سوال استفاده شد که حداقل نمره ۱۷ و حداکثر نمره ۸۵ است و میانگین خام، ۵۱ است و طبق نتایج، ۵۴,۵۷ است و میانگین متغیرها بالاتر از حد میانگین می‌باشد.

تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها

از آنجایی که حجم نمونه ۱۶۹ نفر است لذا برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از نرم افزار PLS استفاده می‌گردد.

تحلیل عامل تاییدی

مدل اندازه‌گیری تحقیق در حالت تخمین ضرایب استاندارد و در حالت معناداری ضرایب استاندارد در شکل های ۱-۴ و ۲-۴، ۳-۴، ۴-۴، ۵-۴، ۶-۴ نشان داده شده است. در شکل مربوط به تخمین ضرایب استاندارد بارهای عاملی سؤالات و در شکل مربوط به معناداری ضرایب استاندارد، معناداری بارهای عاملی نشان داده شده است. البته قابل ذکر است که در جدول ۶-۴ نیز اعداد مربوطه گزارش شده است. همانطور که در شکل‌ها و جداول ۶-۴ مشخص است بارهای عاملی بیشتر سؤالات بیشتر از ۰/۵ بوده و از آنجایی در شکل ۲-۴ مشخص است ضرایب معناداری سؤالات خارج از محدوده ۱/۹۶ تا ۱/۹۶- قرار دارد، لذا مدل قابل قبول است.

مؤلفه های شفافیت، کارآمدی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و عدم خشونت، پاسخگویی، مبارزه با فساد و حق اظهار نظر بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران: (مطالعه موردی دولت روحانی) تاثیر دارد.

به بیان آماری:

فرض صفر: مؤلفه های شفافیت، کارآمدی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و عدم خشونت، پاسخگویی، مبارزه با فساد و حق اظهار نظر بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران: (مطالعه موردی دولت روحانی) تاثیر ندارد.

فرض یک: مؤلفه های شفافیت، کارآمدی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و عدم خشونت، پاسخگویی، مبارزه با فساد و حق اظهار نظر بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران: (مطالعه موردی دولت روحانی) تاثیر دارد.

$H_0: R=0$ رابطه معنی داری وجود ندارد

$H_1: R \neq 0$ رابطه معنی داری وجود دارد

فرضیه تحقیق مبنی بر تاثیر نحوه حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران در دولت روحانی با مؤلفه هایی از قبیل پاسخگویی، کارآمدی، شفافیت بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی با توجه به مقدار T-VALUE در رابطه با

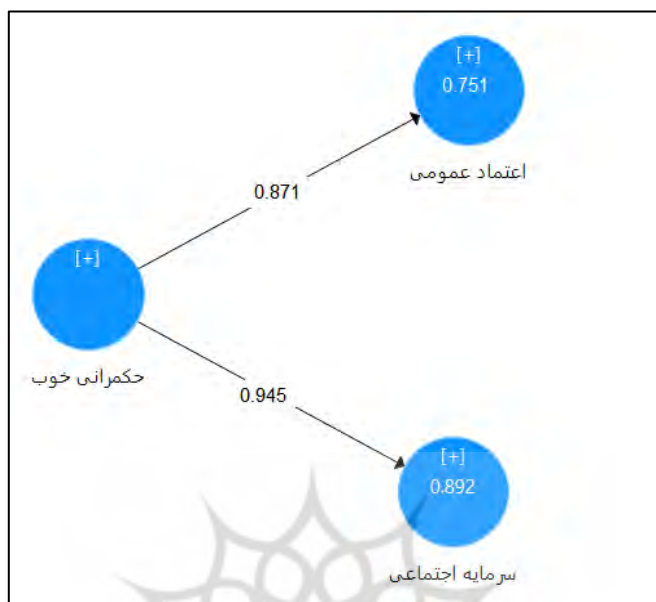
پاسخگویی و سرمایه اجتماعی (۶,۵۱۹)، کارآمدی و سرمایه اجتماعی (۶,۳۳۵)، شفافیت و سرمایه اجتماعی (۵,۲۹۳)، کیفیت مقررات و سرمایه اجتماعی (۵,۹۵۸)، اثربخشی دولت و سرمایه اجتماعی (۵,۱۸۴)، حاکمیت قانون و سرمایه اجتماعی (۶,۳۳۷)، ثبات سیاسی و عدم خشونت و سرمایه اجتماعی (۵,۲۱۴)، مبارزه با فساد و سرمایه اجتماعی (۶,۳۶۰) و حق اظهار نظر و سرمایه اجتماعی (۶,۳۳۰) می‌توان گفت که مقدار معناداری خارج از محدود ۱,۹۶ تا ۱,۹۶- است و می‌توان بیان داشت که نحوه حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران در دولت روحانی با مولفه‌هایی از قبیل پاسخگویی، کارآمدی، شفافیت بر سرمایه اجتماعی تاثیر گذار بوده است و در رابطه با تاثیر مولفه‌های پاسخگویی، کارآمدی و شفافیت بر اعتماد عمومی، با توجه به مقدار T-VALUE در رابطه با پاسخگویی و اعتماد عمومی (۵,۲۰۴)، کارآمدی و اعتماد عمومی (۴,۸۵۵)، شفافیت و اعتماد عمومی (۶,۱۴۱)، کیفیت مقررات و اعتماد عمومی (۵,۳۳۹)، اثربخشی دولت و اعتماد عمومی (۶,۵۱۸)، حاکمیت قانون و اعتماد عمومی (۵,۶۸۴)، ثبات سیاسی و عدم خشونت و اعتماد عمومی (۶,۴۲۱)، مبارزه با فساد و اعتماد عمومی (۶,۴۱۲) و حق اظهار نظر و اعتماد عمومی (۵,۸۷۴) می‌توان گفت که مقدار معناداری خارج از محدود ۱,۹۶ تا ۱,۹۶- است و می‌توان بیان داشت که نحوه حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران در دولت روحانی با مولفه‌هایی از قبیل پاسخگویی، کارآمدی، شفافیت بر اعتماد عمومی تاثیر گذار بوده است و ضریب مسیر پاسخگویی و سرمایه اجتماعی (۰,۳۶۴)، کارآمدی و سرمایه اجتماعی (۰,۲۸۸)، شفافیت و سرمایه اجتماعی (۰,۲۰۷)، کیفیت مقررات و سرمایه اجتماعی (۰,۲۴۴)، اثربخشی دولت و سرمایه اجتماعی (۰,۲۰۲)، حاکمیت قانون و سرمایه اجتماعی (۰,۲۸۸)، ثبات سیاسی و عدم خشونت و سرمایه اجتماعی (۰,۲۰۵)، مبارزه با فساد و سرمایه اجتماعی (۰,۳۰۲) و حق اظهار نظر و سرمایه اجتماعی (۰,۲۸۵) می‌باشد. و ضریب مسیر پاسخگویی و اعتماد عمومی (۰,۲۰۴)، کارآمدی و اعتماد عمومی (۰,۱۹۰)، شفافیت و اعتماد عمومی (۰,۲۲۳)، کیفیت مقررات و اعتماد عمومی (۰,۲۱۵)، اثربخشی دولت و اعتماد عمومی (۰,۲۹۴)، حاکمیت قانون و اعتماد عمومی (۰,۲۲۹)، ثبات سیاسی و عدم خشونت و اعتماد عمومی (۰,۳۱۴)، مبارزه با فساد و اعتماد عمومی (۰,۲۹۷) و حق اظهار نظر و اعتماد عمومی (۰,۲۱۱) می‌باشد.

طبق ضرایب مسیر، سرمایه اجتماعی دارای ابعاد اعتماد، مشارکت در نهاد مدنی، ارتباط با دیگران، احساس هویت جمعی و همکاری و روحیه گروهی و تعهد و مسئولیت می‌باشد که ارتباط با دیگران بیشترین سهم را در سرمایه اجتماعی با ضریب مسیر ۰,۹۸۰ دارد و همکاری و روحیه گروهی با ضریب مسیر ۰,۹۶۵، اعتماد با ضریب مسیر ۰,۹۵۹، تعهد و مسئولیت با ضریب مسیر ۰,۹۵۳ و احساس هویت جمعی با ضریب مسیر ۰,۹۳۹ و مشارکت در نهادهای مدنی با ضریب مسیر ۰,۹۱۰ به ترتیب اولویت در سرمایه اجتماعی نقش دارند.

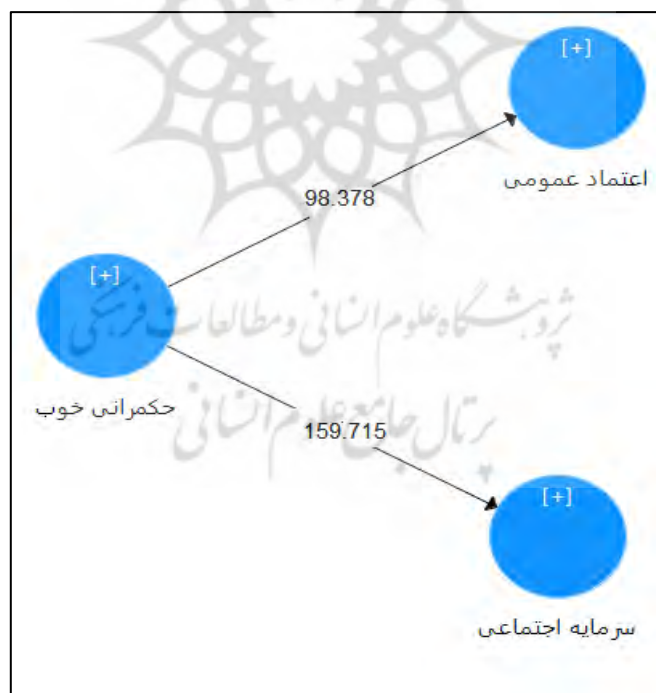
فرضیه فرعی: حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر دولت روحانی) تاثیر مثبت دارد.

توجه به مقدار T-VALUE در شکل ۴-۱۰، در رابطه با حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی (۱۵۹,۷۱۵) و حکمرانی خوب و اعتماد عمومی (۹۸,۳۷۸) است که می‌توان گفت که مقدار معناداری خارج از محدود ۱,۹۶ تا ۱,۹۶- است

و فرضیه پژوهش تایید می‌شود و ضریب مسیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی (۰,۹۴۵) و حکمرانی خوب و اعتماد عمومی (۰,۸۷۱) است و تأثیر مثبت دارد.



نمودار ۱: مدل ساختاری تحقیق در حالت ضرایب استاندارد (Source: Research Findings, 2020)



نمودار ۲: مدل ساختاری تحقیق در حالت معناداری ضرایب استاندارد (Source: Research Findings, 2020)

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

مؤلفه های شفافیت، کارآمدی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و عدم خشونت، پاسخگویی، مبارزه با فساد و حق اظهار نظر بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران: (مطالعه موردی دولت روحانی) تأثیر دارد.

فرضیه تحقیق مبنی بر تاثیر نحوه حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران در دولت روحانی با مؤلفه هایی از قبیل شفافیت، کارآمدی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و عدم خشونت، پاسخگویی، مبارزه با فساد و حق اظهار نظر بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی با توجه به مقدار T-VALUE در رابطه با پاسخگویی و سرمایه اجتماعی (۶,۵۱۹)، کارآمدی و سرمایه اجتماعی (۶,۳۳۵)، شفافیت و سرمایه اجتماعی (۵,۲۹۳)، کیفیت مقررات و سرمایه اجتماعی (۵,۹۵۸)، اثربخشی دولت و سرمایه اجتماعی (۵,۱۸۴)، حاکمیت قانون و سرمایه اجتماعی (۶,۳۳۷)، ثبات سیاسی و عدم خشونت و سرمایه اجتماعی (۵,۲۱۴)، مبارزه با فساد و سرمایه اجتماعی (۶,۳۶۰) و حق اظهار نظر و سرمایه اجتماعی (۶,۳۳۰) می توان گفت که مقدار معناداری خارج از محدود ۱,۹۶ تا ۱,۹۶- می باشد و می توان بیان کرد که نحوه حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران در دولت روحانی با مؤلفه هایی از قبیل پاسخگویی، کارآمدی، شفافیت بر سرمایه اجتماعی تاثیر گذار بوده است و در رابطه با تاثیر مؤلفه های پاسخگویی، کارآمدی و شفافیت بر اعتماد عمومی، با توجه به مقدار T-VALUE در رابطه با پاسخگویی و اعتماد عمومی (۵,۲۰۴)، کارآمدی و اعتماد عمومی (۴,۸۵۵)، شفافیت و اعتماد عمومی (۶,۱۴۱)، کیفیت مقررات و اعتماد عمومی (۵,۳۳۹)، اثربخشی دولت و اعتماد عمومی (۶,۵۱۸)، حاکمیت قانون و اعتماد عمومی (۵,۶۸۴)، ثبات سیاسی و عدم خشونت و اعتماد عمومی (۶,۴۲۱)، مبارزه با فساد و اعتماد عمومی (۶,۴۱۲) و حق اظهار نظر و اعتماد عمومی (۵,۸۷۴) می توان گفت که مقدار معناداری خارج از محدود ۱,۹۶ تا ۱,۹۶- می باشد و می توان بیان کرد که نحوه حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران در دولت روحانی با مؤلفه هایی از قبیل پاسخگویی، کارآمدی، شفافیت بر اعتماد عمومی اثرگذار بوده است.

در تبیین فرضیه پژوهش می توان بیان کرد که حکمرانی مشابه دولت نمی باشد، حکمرانی موضوعی می باشد در باره نحوه تعامل دولتها و سایر سازمانهای اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط اینها با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده می باشد. سیستم حکمرانی چارچوبی می باشد که فرآیند متکی بر آن می باشد؛ بدین معنی که مجموعه ای از توافقات، رویه ها، قراردادهای و سیاست ها مشخص می کنند که قدرت در دست چه کسی باشد. تصمیمات چگونه اتخاذ گردند و وظایف چگونه انجام و ادا می شود. حکمرانی خوب به عنوان الگوی جدید توسعه است که در آن دولت باید بتواند به عنوان یکی از ارکان سه گانه با مشارکت بخش خصوصی ومدنی به فعالیت در جهت دستیابی به توسعه پایدار بپردازد. بنابراین حکمرانی خوب با ویژگیهایی که دارد در تنظیم روابط دولت، بخش خصوصی ونهادهای مدنی، به گونه ای عمل می کند که هریک از بخش ها با اثربخشی بالا به اهداف تعیین شده دست یافته، بازدهی فعالیت را حداکثر نموده و با همکاری تعاملی حداکثر استفاده از توان و ظرفیت های موجود را بنمایند. هر قدر که دولت ها پاسخگوتر و کارآمدتر باشند ثبات سیاسی بیشتر، حاکمیت قانون گسترده تر و فساد محدودتر شود حکمرانی خوب برقرار میشود که پاسخگویی، شفافیت و کارآمدی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و عدم خشونت، مبارزه با فساد و حق اظهار نظر به عنوان عواملی از حکمرانی خوب می باشد که توانسته است اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی را تحت تاثیر بگذارد. هنگامی که پاسخگویی مدیران در

سطح بالایی باشد و سبب می‌گردد که کارکنان اعتماد عمومی بیشتری داشته باشند و سرمایه اجتماعی افزایش یابد و شفافیت برنامه‌ها، نیز سبب اعتماد کارکنان میشود و سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد و کارآمدی برنامه‌ها نیز در همین راستا است. اهمیت سرمایه اجتماعی در حکمرانی خوب و شکنندگی و آسیب‌پذیری آن در برابر رفتار و اقدامات دولت می‌باشد. بی‌گمان سرمایه اجتماعی سنگ بنای جامعه مرفه و توسعه یافته و عنصر اساسی استمرار آن نیز می‌باشد و تنها در سایه انبیا، حفظ و تقویت این منبع ارزشمند می‌باشد که جامعه می‌تواند از دستاوردهای توسعه‌ای و حکمرانی بهتر بهره‌مند گردد. از این رو دولت نه فقط باید حساب شده و هوشمندانه رفتار کند و قبل از هر اقدامی پیامدها و برون‌دادهای مثبت و منفی آن را بر سرمایه اجتماعی ارزیابی کند و لازم است زمینه اعتماد آوری را فراهم شد. در این رابطه سبب از مولفه‌های شفافیت، کارآمدی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و عدم خشونت، پاسخگویی، مبارزه با فساد و حق اظهار نظر می‌تواند این زمینه را فراهم کند.

امروزه در روند اجتماعی نیازمند به دولت با ویژگی‌های خاص و جامعه‌ای که بین اعضای آن همراهی و همکاری باشد. الگوی حکمرانی خوب و شاخص‌های آن عرصه جدیدی در نوع سیاست‌گذاری، ماهیت دولت و همچنین کنش نیروهای اجتماعی خواهد گشود که در آن توسعه بر پایه سازماندهی و مدیریت کیفی و کارآمد دولت و شراکت تمام نیروهای اجتماعی استوار می‌باشد. بر این اساس امور اجتماعی با جهت مشخص و بر مبنای مصالح خصوصی و عمومی نهادینه می‌گردد. یکی از عوامل مهم در پیشبرد اهداف یک جامعه که عاملیت ساختار سیاسی را افزایش می‌دهد، اعتماد شهروندان به حکومت می‌باشد. اعتماد عمومی هم حاصل و هم پیامد کارآمدی نهادهای حکومتی می‌باشد. عملکرد یک حکومت با ویژگی‌های حکمرانی خوب، انعکاس ملموسی در نگرش شهروندان نسبت به آن حکومت و نهادهای آن خواهد داشت. از طرفی به لحاظ نظری، اعتماد عمومی تحت تأثیر اعتماد اجتماعی به سایر شهروندان قرار دارد. اعتماد عمومی، از عوامل تأثیر پذیر حکمرانی خوب می‌باشد که به ویژه در دهه‌های اخیر توسعه یافته می‌باشد. دولت با نظام اداری و سازماندهی منطقی و متناسب زمینه را برای هدایت و مدیریت کشور در مسیر تعیین شده فراهم می‌کند در عرصه‌ی سیاسی با تعدد و تنوع سازمان‌های غیردولتی و همچنین با نقش فعال و اثرگذار نیروهای اجتماعی، مشارکت سیاسی در قالبی عینی و ذهنی به منصفی ظهور می‌رسد. پاسخگویی سازمانی و سیاسی در شکل واقعی خود با مکانیسم تفکیک قوا و حاکمیت قانون عملیاتی میشود. در بخش اقتصادی با شفافیت و عرصه‌ی آزاد اطلاع رسانی، شرایط برای رقابت سالم اقتصادی و از بین بردن فساد و رانت فراهم می‌شود و در نتیجه شاخص‌های رشد اقتصادی ترقی میکنند. در حوزه‌ی اجتماعی با مشارکت همسان نیروهای گوناگون اجتماعی، رویه‌ها برای عدالت اجتماعی و رفع تبعیض‌های گوناگون هموار میشود و همچنین با همبستگی اجتماعی و اشتراک مساعی زمینه برای توسعه‌ی اعتماد و سرمایه اجتماعی فراهم می‌باشد.

در واقع می‌توان گفت دولتی که اداره امور را در دست دارد از پشتوانه انتخاب و اعتماد مردمی برخوردار باشد و به عبارت دیگر قدرت خود را بر اساس نوعی قرارداد اجتماعی کسب کرده باشد، دولت حق نظارت عمومی را به رسمیت بشناسد، فرآیند قانونگذاری و نیز عملکرد دولت از شفافیت قابل قبولی برخوردار باشد، اصل شایسته

سالاری در انتخاب کارگزاران رعایت شود. خدمات عمومی مورد نیاز جامعه به صورت مطلوب توسط دولت تامین شود، نظام اداری که اداره دولت از طریق آن اعمال میشود کارآمد و قابل اعتماد باشد؛ دستگاه قضایی از کارآمدی مطلوبی برخوردار بوده و بتواند زمینه‌های برقراری انصاف و عدالت را در جامعه فراهم و نهادینه سازد، رژیم سیاسی حاکم از ثبات کافی برخوردار باشد، دخالت‌های دولت در عرصه کسب و کار به حد بهینه محدود شود، مردم و دولت به قوانین موجود در جامعه احترام گذارند، دولت به تعهدات خود پایبند باشد. بیطرفی، کارآمدی و شفافیت در دستگاه قضایی و فرآیندهای داوری حکمفرما باشد. فساد به معنی استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی در جامعه کنترل شده باشد؛ اینها مواردی هستند که به نظر میرسد در صورت اقدام و عمل به هریک از این مؤلفه‌ها در توسعه و کارآمدی دولتها نقش اساسی و سرنوشت‌ساز ایفا کند.

طبق ضرایب مسیر، سرمایه اجتماعی دارای ابعاد اعتماد، مشارکت در نهاد مدنی، ارتباط با دیگران، احساس هویت جمعی و همکاری و روحیه گروهی و تعهد و مسئولیت است که ارتباط با دیگران بیشترین سهم را در سرمایه اجتماعی با ضریب مسیر ۰,۹۸۰ دارد و همکاری و روحیه گروهی با ضریب مسیر ۰,۹۶۵، اعتماد با ضریب مسیر ۰,۹۵۹، تعهد و مسئولیت با ضریب مسیر ۰,۹۵۳ و احساس هویت جمعی با ضریب مسیر ۰,۹۳۹ و مشارکت در نهادهای مدنی با ضریب مسیر ۰,۹۱۰ به ترتیب اولویت در سرمایه اجتماعی نقش دارند. در تبیین فرضیه پژوهش می‌توان بیان داشت، امروزه، با توجه به تغییرات گسترده در عملیات سازمانی شکل‌های سنتی سرمایه‌ای دگرگون شده و سرمایه جدیدی مطرح شده است. این سرمایه‌های غیرملموس نقش فراوانی در توسعه و رشد سازمان دارد. از جمله این سرمایه‌ها، سرمایه اجتماعی است که مفهومی بسیار فراتر از دارایی‌هایی است که یک فرد در اختیار دارد. سرمایه اجتماعی یک ظرفیت، جوهر اجتماعی یا هنجاری غیر رسمی می‌باشد که همکاری میان افراد و نهادهای یک جامعه را ارتقا می‌بخشد. هر شبکه اجتماعی، برای دستیابی به اهداف خود، علاوه بر افراد آگاه و با تجربه و امکانات و ابزار مادی، به عوامل مانند: اعتماد، مشارکت در نهاد مدنی، ارتباط با دیگران، احساس هویت جمعی و همکاری و روحیه گروهی و تعهد و مسئولیت نیاز دارد که این عوامل، همان سرمایه‌های اجتماعی هستند. ارتباط بین سرمایه اجتماعی و به ویژه مؤلفه‌های آن اعتماد، مشارکت در نهادهای مدنی و مؤسسات خیریه، ارتباطات مناسب با دیگران، تعهد و مسئولیت، همکاری و روحیه کار گروهی و احساس هویت جمعی و تأثیر و تأثر آن بر جامعه مدنی و سیاستگذاری به گونه‌ای مستقیم و متقابل می‌باشد.

سرمایه اجتماعی تمام الزاماتی را که برای توسعه جامعه ضرورت دارند را در خود جای می‌دهد. پرداختن به مسایل نظری و اجرایی سرمایه اجتماعی و نیز تبیین الزامات نهفته در آن برای توسعه اقتصادی و اجتماعی جالب و اساسی می‌باشد و جای آن دارد که از سوی متخصصان مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا روشن شود که در کشورهای موفق در راه توسعه، مدیریت بر آن چگونه تحقق پذیرفته است. پژوهش درباره سرمایه اجتماعی اگرچه هنوز در مراحل آغازین می‌باشد. ولی سیاست‌گذاران نمی‌توانند منتظر بمانند که پژوهشگران قبلاً از همه چیزهایی که باید در این عرصه دانست سر درآوردند و بعد از آن دست به عمل بزنند بلکه باید توماً بیاموزند و عمل کنند که این

مستلزم ارزیابی جدی تر پروژه‌ها و برآورد دقیق تر تأثیر این با آن سیاست بر سرمایه اجتماعی می‌باشد. و ضمناً تلاش مدیران و رهبران جامعه برای ارتقای سرمایه اجتماعی از طریق اعتماد سازی، برقراری نظام‌های مشارکتی، تقویت نهادهای مدنی، تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور دوطبانه در نهادهای اجتماعی نیز حائز اهمیت است.

در این راستا تقویت، تشویق و کمک به تشکیل نهادهای مدنی، تقویت و غنی‌سازی آموزش‌های عمومی، کاربردی‌تر کردن آموزش‌ها بر حسب نیاز، تأمین و گسترش امنیت به عنوان پیش نیاز توسعه و تشکیل سرمایه اجتماعی، پرهیز از تصدی‌گری‌های دولتی و جلب مشارکت مردم، اعتمادسازی و شفافیت، تقویت نگرشها و پنداشت‌های مثبت و ارزش‌های عام جامعه و پرهیز از خاص‌گرایی که مانع عام‌گرایی می‌شود، ارتقاء ابعاد نوین اجتماعی نظیر اخلاق شهروندی و... توصیه می‌شود. البته به تعبیر جان فیلد نایستی از نیمه تاریک سرمایه اجتماعی غافل بود چرا که دسترسی به سرمایه اجتماعی به موقعیت افراد و گروه‌های خاص نیز بستگی دارد و همه به طور یکسان از امتیازات آن بهره‌مند نخواهند شد.

می‌توان گفت سرمایه اجتماعی منبعی کلی می‌باشد که اجتماع، افراد و گروه‌های اجتماعی و در نهایت کل جامعه از آن استفاده می‌کنند تا هدف‌های خود را تحقق بخشند؛ یعنی ابزارهایی که فرد، گروه، نهاد یا جامعه‌ای برای رسیدن به هدف‌هایش از آن استفاده می‌کند، نتایج به دست آمده از رابطه سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت در نهاد مدنی، ارتباط با دیگران، احساس هویت جمعی و همکاری و روحیه گروهی و تعهد و مسئولیت) از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی است.

توجه به مقدار T-VALUE در شکل ۴-۱۰، در رابطه با حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی (۱۵۹,۷۱۵) و حکمرانی خوب و اعتماد عمومی (۹۸,۳۷۸) می‌باشد که می‌توان گفت که مقدار معناداری خارج از محدود ۱,۹۶ تا ۱,۹۶- می‌باشد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود و ضریب مسیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی (۰,۹۴۵) و حکمرانی خوب و اعتماد عمومی (۰,۸۷۱) می‌باشد. در تبیین فرضیه پژوهش می‌توان بیان کرد، هر جامعه‌ای با این سطح از توسعه یافتگی و زندگی رفاهی دست نخواهد یافت مگر اینکه حکمرانی خوب و یا حکومت داری بهتر تجربه نمایند. حکمرانی که در آن حق اظهار نظر، پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، قوانین و مقررات مطلوب و کارآمد، حاکمیت قانون و مبارزه با فساد وجود داشته باشد. بر این اساس، شکل‌گیری اراده سیاسی به طرفداری از اصلاحات حکمرانی است که تعهد عمومی و اراده سیاسی در جهت افزایش رقابت، پاسخگو کردن حکومت و افزایش شفافیت ایجاد می‌کند و سپس با ظرفیت سازی که توسط کمیته‌های متشکل از بالاترین سطح رهبری انجام می‌گیرد و در نهایت اجماع و توافق جمعی می‌باشد که از طریق مشارکت و اعتلاء در تمام سطوح جامعه خصوصاً سطوح پایین آن انجام می‌گیرد. مفاهیم سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی با حکمرانی خوب هر چند از منظر کاملاً متفاوت به مشارکت و تعامل ملت و دولت توجه دارند ولی به نظر می‌رسد " سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی "

بدون وجود دیدگاه حکمرانی خوب دوام نمی‌آورد و "حکمرانی خوب" بدون وجود سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی کامل نیست.

جلب اعتماد عمومی نیازمند تحقق مولفه‌های حکمرانی خوب جهت تحقق کارآمدی در همه ارکان حاکمیت است، آنچه از متون و ادبیات حکمرانی خوب برداشت می‌شود مولفه‌هایی چون شایستگی و کارآمدی؛ قانونمندی و توجه به کرامت انسان‌ها؛ مشروعیت و پاسخگویی جزو لاینفک تحقق آن می‌باشد. پیش‌شرط چنین تحولی نیازمند یک دولت توانمند و کارآمد می‌باشد که از الزامات آن قابل پیش‌بینی بودن قوانین و مقررات، ثبات چشم‌انداز، سیاستها و اهداف، تضمین امنیت مالکیت، جلوگیری از فساد و ارتشای سیستمی و غیر سیستمی، جلوگیری از رفتار غیر رقابتی بخش‌های عمومی غیر دولتی و وجود دستگاه قضایی قابل اعتماد می‌باشد.

حکمرانی مطلوب بر مبنای ارزش‌ها، هنجارها و اصول مساوات و عدم تبعیض، مشارکت و، قدرت همراهی دهی و آزادی بیان، شفافیت، اعتماد کاهش فساد از طریق شفافیت، شراکت و اتحاد قرارداد که همه برای دستیابی به اهداف حق بر توسعه ضروری می‌باشند. حقوق بشر معیار ماهوی حکمرانی مطلوب هستند. بدون حکمرانی مطلوب هیچ کشوری نمی‌تواند انتظار داشته باشد که در زمینه توسعه انسانی و رفع فقر پیشرفت نماید. بنابراین رابطه حق توسعه و بر حکمرانی مطلوب رابطه مثبت بوده و از هم غیرقابل تفکیک هستند. حکمرانی مطلوب با به حداکثر رساندن مشروعیت نظام، ثبات آن را تضمین کرده و با ایجاد جامعه مدنی قوی و جلب مشارکت عمومی، فرایند اجرایی شدن حق توسعه را که بهره‌مندی شهروندان از حقوق بشر می‌باشد تسریع و تسهیل مینماید و موجب افزایش اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی می‌گردد.

References

- Bakhtiari, Mehdi (2016), Social Trust and the Relationship of Some Social Factors with It: A Case Study of Qom City ", Quarterly Journal of Social Cultural Studies, Second Issue, p.68.
- Jalalian, Asgara (2017), The Efficiency of the Islamic Consultative Assembly and Strategies for Its Promotion in Domestic Law, Rahbard Quarterly, 26 (82).
- Heidari, Hassan, Rana Asghari, Roghayeh Ali Nejad (2015), A Study of the Effectiveness of Government on Inflation Rate in Selected Countries of MENA Region, Journal of Economic Research, Volume 15, Number 57, Issue 2.
- Haidari, Nasrollah (2016), The Role and Position of Non-Governmental Organizations in Political Participation during the Presidencies of Khatami, Ahmadinejad and Rouhani, Quarterly Journal of Political Science, No. 36.
- Khodaparast Mashhadi, M., (2011), A model for introducing and measuring mutual trust in organizations (studied by the municipality) University Jihad, 1390, p. 9.
- Danaeifard, Hassan, Babashahi, Jabaz and Azar, Adel (2012), Transformation in national welfare, does good governance play an important role? Management Research in Iran, Volume 16, Number 4.
- Danaeifard, Hassan; Babashahi, Jabaz and Azar, Adel (2012), Transformation in National Welfare, Does Good Governance Play an Important Role? Management Research in Iran, Volume 16, Number 4.
- Danaeifard Hassan, Rajabzadeh Ali, Darvish Ali (2011), Explaining the proper moral-Islamic and service culture in promoting public accountability in public hospitals .. Journal of Medical Ethics and History, Volume 3, Number 4.

- Danaeifard, Hassan (2008), Challenges of Public Management in Iran, Tehran, Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Position) Center for Research and Development of Humanities.
- Danaeifard, Hassan and Alireza Hassanzadeh and Somayeh Nasr Elahi Alireza Hassanzadeh and Somayeh Nasr Elahi, (2014), An Analysis of Key Mechanisms to Strengthen Public Confidence in Government: A Citizenship Perspective, Journal of Strategic Policy Research »Spring 2014 Issue 8
- Durrani, K, Rashidi, Z, (2008), A Study of Definitions, Concepts and How to Create Social Capital – (with Emphasis on Social Trust) –, Cultural Engineering Monthly, Second Year, No. 68 67.
- Zabihi, Mohammad Reza, Orfian, Hamid, Yarahmadi, Morteza, Kamali Rad, Ismail (2011), Governance and Social Responsibility (including a collection of articles in the field of public administration), Mashhad Vice Chancellor for Research, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Sokhan Gostar Publications;
- Zarei, Mohammad Hossein (2004), Good Governance, Sovereignty and Government in Iran. Journal of Legal Research.
- Salehi Amiri, Seyed Reza (2008), Management and Social Capital, Research Letter No. 29, pp. 14-16.
- Forouhar, Mohammad(2015), Understanding the Nature, Importance and Consequences of Positiveness in Organizations, Second National Conference on Management and Accounting, Tehran.
- Judge Tabatabai, Mahmoud; Nosrati, Nasrollah and Kazemi, Ali (2012), Evaluation of the model of good governance theory in explaining the situation of human development. Journal of Rural Development, Volume 4, Number 1.
- Komijani, Akbar and Satin, Parvaneh (2008), The Impact of Good Governance on Economic Growth in Selected Countries of OPEC and OECD Economic Modeling, Volume 2, Number 2 (6).
- Koohkan, Alireza (2009), Components of Islamic Social Capital; Despair Strategy, Vol 17.
- Gorji Azandariani (2011), Islamic Consultative Assembly Election Law in Criticism. Quarterly Journal of Private Law Studies (Former Law Quarterly,) 40 (4), 333
- Golabi, F. (2004), The role of social trust in development with emphasis on the performance and role of Islamic councils – (Case study of East Azerbaijan province) Journal of Cultural Strategy, No. 3.
- Moghimi, Seyed Mohammad; Leader; Amir Hossein and Eslami, Hasna (2007), Organizational Spirituality and Its Impact on Employee Creativity (Comparative Approach), Quarterly Journal of Ethics in Science and Technology, Second Year, vols. 3 and 4.
- Heidari, Fatemeh (2010), Master Thesis, The Impact of the Islamic Revolution on the Promotion of Social Capital in the Islamic Republic of Iran, Central Tehran Branch.
- Danaeifard, H. (2003), Designing and explaining the public trust model; Unpublished doctoral dissertation of Tarbiat Modares University, Tehran.
- Mobasheri, Mohammad – (2009), Social Capital and Its Impact on Public Policy, First Edition, Tehran, Research Institute for Cultural and Social Studies.
- Pourian, Mohammad Taghieh (2013), Causes of political stability and instability in post-war Iran PhD Thesis in Political Science, Allameh Tabatabai University.
- Shorji, Hafez (2016), The Developmental Approach of Governments in the Islamic Republic of Iran (1997-1997), PhD Thesis in Political Science, Allameh Tabatabai University
- Belanger E. Nadeau R. (2005). “Political trust and the vote in multiparty elections”:The Canadian Case”; European Journal of Political Research 44.
- Bubolz, M.M., “Family as Source, User, and Builder of Social Capital”, Journal of Socio -Economics, 2009, 30, p. 130 Whiteley, P. “Economic Growth and Social Capital”, Political Studies, 2000, Vol. 48, p. 443.
- Dasgupta P.; “Trust as a commodity. In: Gambetta”, D. (ed.) Trust: Making and Breaking Co-operative Relations; Oxford: Basil Blackwell, 1988.
- Fukuyama, F. 1999. *The Great Disruption: Human Nature and the Reconstitution of Social Order.* The Free Press. NewYork.

- Havorsen, Kathleen E. A (2003) Assessing The Effects Of Public Participation. *Public Administration Review*, 63.
- J Jalava, "From Norms to Trust: The Luhmanian Connections between Trust and System", *European Journal of Social Theory*, 2003, Vol. 6, No. 2, pp. 185.
- Keene, W. Bruce, R. Keeping the public trust, *Public Administration Times*, Vol. 24, No. 2, pp. 126-137, 2011.
- Kennet Newton. "Trust, Social Capital, Civil Society and Democracy", *International Political Science Review*, 2001, Vol. 22, No. 2, pp. 202.
- Knack, s. and keefer, p. (2003), Does social capital Have an Economic Payoof: A cross country emprical investigation, in knack, s. (E d), *Democracy Governance and Growth*, Ann Arbor: The university of Michigan Press.
- Larson Larsake. (2007). Public trust in the PR industry and its actors *Journal of Communication Management* Vol.00 No.3 pp.222-234.
- Luhmann N. *Trust and Power*; Chichester, John Wiley & Sons, Inc, NewYork. ۱۹۷۹.
- Luhmann N.; *Trust and Power*; Chichester, John Wiley & Sons, Inc, NewYork. 1979
- March, J. G. & J. P. Olsen (1989), "Redis covering institution" the organizational Basit of politics" New York: free press.
- Nader R.; Public participation and the erosion of democracy; *The Humanist*, Vol.46, No.1, 2004.
- Newton K.; "Social trust: individual and cross-national approaches"; *Portuguese Journal of Social Science* 3: 1, 2004
- Nye J.S., Zelikow P.D.; *Conclusions: Reflections, conjectures and puzzles*; Cambridge, MA: Harvard University Press, 1997
- Ciborra, C (2005). *Interpreting EGovernment & Pevvelopment Efficiency, Transparency or Governance*, Information technology, No. 18.
- Ajaz, T. ; Ahmad, E. (2010). The effect of corruption and governance on tax revenues, *The Pakistan Development Review*, (405-417).
- Fukuyma, Francis (2002). "Social Capital and Development": The Coming Agenda. *SA Review*. Vol. XXII (Winter-Spring), No. (1). 23-37.

Components of Political Geography Affecting Social Capital and Public Confidence in the Islamic Republic of Iran: A Case Study of Hassan Rouhani's Government

Mohammad Rasool Darvishi

Ph.D. Student in Political Science, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish, Iran

Mohammad Reza Ghaedi*

Assistant Professor, Department of Political Science, Shiraz Branch,
Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Garineh Keshishyan Siraki

Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, South Tehran
Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammad Tawhid Fam

Associate Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Maintaining and promoting trust and social capital are the main components of the stability and efficiency of any political system. Components of political geography such as ethnicity, population density or dispersion, level of economic development, geographical features of residence, demarcation, religion, etc. have a great impact on the level of social capital and public trust in the relationship between citizens and the political system. The aim of this study is to explain the components of political geography that affect social capital and public trust in the Islamic Republic of Iran, especially in the government of Hassan Rouhani. The main question of the article is that How have the components of political geography affected the level of social capital and public trust in the Islamic Republic of Iran, especially the government of Hassan Rouhani? The method of this article is descriptive-survey. Questionnaire and interview tools are used to collect data and field information. Library studies, information on the Internet and other Persian and Latin sources will also be used to develop theoretical foundations and research literature. The statistical population of the study is the staff of the governorate of Tehran and the sample size is 300 people. SPSS and PLS software were used to analyze the data. The results of the article show that The components of transparency, efficiency, quality of regulation, government effectiveness, rule of law, political stability and non-violence, accountability, fight against corruption and the right to comment depending on the geopolitical characteristics of Iran's geographical regions affect social capital and public trust in the Islamic Republic of Iran. The geography of the presidential election and Hassan Rouhani's votes show this connection.

Keywords: Political Geography, Social Capital, Public Trust.

* . (Corresponding Author) ghaedi@iaushiraz.ac.ir